

انتشارات انصار امام مهدی (خدواند در زمین تمکینش دهد)

ملحق

یمانی موعود

حجت الله

مهدی عليه السلام و اهل سنت

بسم الله الرحمن الرحيم

در مورد ایمان به مهدی عليه السلام اهل سنت با شیعه متفق خواهند شد؛ چون که کتب اهل سنت احادیث صحیح زیادی را در مورد مهدی وارد نموده و بسیاری از علمای آنها در مورد تواتر آن تصریح کردند و از جمله کسانی که به این موضوع اشاره داشته اند.

(الترمذی (ت ۲۹۷ هـ) در کتاب سنن خود^(۱)، و عقيلي (ت ۳۲۲ هـ) در الضعفاء الكبير^(۲)، و برهاري (ت ۳۲۹ هـ) همانند آنچه که در الاحتجاج بالأثر آمده^(۳)، و محمد بن الحسين الأبري (ت ۳۶۳ هـ) همانطور که در کتاب تذکرة القرطبي آمده در مورد تواتر احادیث مهدی تصریح نمود^(۴)، و حاکم (ت ۴۰۵ هـ)^(۵)، و بیهقی (ت ۴۵۸ هـ) همین طور در منار ابن القیم^(۶)، و بغوی (ت ۵۱۰ أو ۵۱۶ هـ)^(۷)، و ابن اثیر (ت ۶۰۶ هـ)^(۸)، و قرطبي مالکی (ت ۶۷۱ هـ)^(۹)، و ابن منظور (ت ۷۱۱ هـ)^(۱۰)، و ابن تیمیة (ت ۷۲۸ هـ)^(۱۱)، و مزّی (ت ۷۴۲ هـ)^(۱۲)، و ذهبی (ت ۷۴۸ هـ)^(۱۳)،

و ابن القیم (ت ۷۵۱ هـ)^(۱۴)، و ابن کثیر (ت ۷۷۴ هـ)^(۱۵)، و تفتازانی (ت ۷۹۳ هـ)^(۱۶)،

۱- سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۰۵-۵۰۶ ح ۲۲۳۰-۲۲۳۳.

۲- الضعفاء الكبير: ج ۳ ص ۲۵۳ ح ۱۲۵۷.

۳- الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر: ص ۲۸.

۴- التذکرة: ص ۷۰۱، و به نقل قول از الأبري و ارتضاه در مورد تواتر احادیث مهدی تصریح نمود.

۵- مستدرک الحاکم: ج ۴ ص ۴۲۹ و ۴۵۰ و ۴۵۷ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۵۰۲ و ۵۲۰ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۷ و ۵۵۸.

۶- المنار المنيف: ص ۱۳۰ ح ۲۲۵، و انظر: الاعتقاد- للبيهقي -: ص ۱۲۷.

۷- مصابيح السُنّة: ص ۴۸۸ ح ۴۱۹۹، و ص ۴۹۲-۴۹۳ ح ۴۲۱۰ و ۴۲۱۱ و ۴۲۱۲ و ۴۲۱۳ و ۴۲۱۵.

۸- النهاية في غريب الحديث: ج ۱ ص ۲۹۰، ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۳۸۶، ج ۴ ص ۳۳، ج ۵ ص ۲۵۴.

۹- التذکرة: ص ۷۰۱ و ۷۰۴.

۱۰- لسان العرب: ج ۱۵ ص ۵۹ مادة (هَدِي).

۱۱- منهاج السُنّة: ج ۴ ص ۲۱۱.

۱۲- تهذيب الكمال: ج ۲۵ ص ۱۴۶-۱۴۹ رقم ۵۱۸۱ در ترجمه محمد بن خالد الجندي.

۱۳- تلخيص المستدرک: ج ۴ ص ۵۵۳ و ۵۵۸.

۱۴- المنار المنيف: ص ۱۳۰-۱۳۳ ح ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۹ و ۳۳۱، و ص ۱۳۵.

۱۵- النهاية في الفتن والملاحم: ج ۱ ص ۵۵ و ۵۶.

۱۶- شرح المقاصد: ج ۵ ص ۳۱۲، و شرح عقائد النسفي: ص ۱۶۹.

ونور الدین هیشمی (ت ۸۰۷هـ)^(۱)، وابن خلدون (ت ۸۰۸هـ) به صحت بعضی از احادیث مهدیّ اعتراف کرده است^(۲)، وجزری شافعی (ت ۸۳۳هـ)^(۳)، وأحمد بن أبی بکر بوصیری (ت ۸۴۰هـ)^(۴)، وابن حجر عسقلانی (ت ۸۵۲هـ)^(۵)، وشمس الدین سخاوی (ت ۹۰۲هـ)^(۶)، وسیوطی (ت ۹۱۱هـ)^(۷)، وشعرانی (ت ۹۷۳هـ)^(۸)، وابن حجر هیتمی (ت ۹۷۴هـ)^(۹)، ومتمّقی هندی (ت ۹۷۵هـ) در کتاب خود (البرهان) چهار فتوی برای فقهای مذاهب اسلامی در شأن کسانی که آخر الزمان و مهدی را انکار و احادیث وارده در این خصوص را تکذیب کنند بیانی را صادر نمود^(۱۰)، وشیخ مرعی بن یوسف حنبلی (ت ۱۰۳۳هـ)^(۱۱)، وبرزنجی (ت ۱۱۰۳هـ)، وزرقانی مالکی^(۱۲). مفتی شافعی (ت ۱۳۰۴هـ)^(۱۳)، وقنوجی بخاری (ت ۱۳۰۷هـ)^(۱۴)، وشهاب الدین حلوانی مصری الشافعی (ت ۱۳۰۸هـ)^(۱۵)، وبلبسی شافعی (که در قرن چهارم هجری از دنیا رفت)^(۱۶)، وآلوسی حنفی أبو البرکات (ت ۱۳۱۷هـ)^(۱۷)،

-
- ۱- مجمع الزوائد: ج ۷ ص ۳۱۳-۳۱۷.
 - ۲- تاریخ ابن خلدون: ج ۱ ص ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۸، الفصل ۵۲.
 - ۳- أسمى المناقب في تهذيب أسنى المطالب: ص ۱۶۳-۱۶۸.
 - ۴- مصباح الزجاجة في زوائد ابن ماجة ۳/۲۶۳ رقم ۱۴۴۲.
 - ۵- تهذيب التهذيب: ج ۹ ص ۱۲۵ رقم ۲۰۱ در ترجمه محمد بن خالد الجندی، وفتح الباری: ج ۶ ص ۳۸۵.
 - ۶- همانطور که در: نظم المتناثر من الحديث المتواتر - از کتّانی - : ص ۲۲۶ رقم ۲۸۹، در مورد تواتر احادیث مهدیّ صحبت نمود.
 - ۷- الجامع الصغير: ج ۲ ص ۶۷۲ ح ۹۲۴۱ و ۹۲۴۳ و ۹۲۴۴ و ۹۲۴۵، و ج ۲ ص ۴۳۸ ح ۷۴۸۹، و در مورد آن بلبسی در العطر الوردی صحبت نمود: ص ۴۵ ایشان در ۷۴۸۹ به تواتر آن صحبت نمود، و در مورد آن بلبسی در العطر الوردی: ص ۴۵ او بتواتر در بعضی کتب خود صحبت کرد.
 - ۸- اللیواقیت والجواهر: ج ۲ ص ۱۴۳.
 - ۹- الصواعق المحرقة: ص ۱۶۲-۱۶۷.
 - ۱۰- البرهان في علامات مهدی آخر الزمان: ص ۱۷۷-۱۸۳.
 - ۱۱- مراجعه کن به: إمام المهدی علیّه السلام عند أهل السنة: ج ۲ ص ۲۳.
 - ۱۲- الإیضاعة لأشراط الساعة: ص ۸۷، و او از کسانی که در مورد تواتر صحبت نموده.
 - ۱۳- الفتوحات الإسلامية: ج ۲ ص ۲۱۱، و او نیز از کسانی که در مورد تواتر صحبت نموده.
 - ۱۴- الإیضاعة: ص ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۲۸، و او نیز از کسانی که به صراحت در مورد تواتر صحبت نموده و از ائمه حافظ اقوال متواتری نقل کرد، پس مراجعه کن.
 - ۱۵- القطر الشهیدی في أوصاف المهدیّ: ص ۶۸.
 - ۱۶- العطر الوردی: ص ۴۴ و ۴۵.
 - ۱۷- غالية المواظ: ص ۷۶-۷۷.

وَأَبُو الطَّيِّبِ الْآبَادِي (ت ۱۳۲۹ هـ)^(۱)، وَالكَتَّانِي مَالِكِي (ت ۱۳۴۵ هـ) که در مورد تواتر احادیث مهدی از جمعی از حافظان نقل قول کرد^(۲)، و مبارکفوری (ت ۱۳۵۳ هـ)^(۳)، و شیخ منصور علی ناصف (متوفی بعد از سال ۱۳۷۱ هـ)^(۴)، و شیخ محمد خضر حسین مصری (ت ۱۳۷۷ هـ)^(۵)، و أَبُو الْفَيْضِ غَمَارِي شَافِعِي (ت ۱۳۸۰ هـ) کسی که تواتر احادیث مهدی را با واضحتین ادله ثابت کرد^(۶)، و شیخ محمد بن عبد العزیز المانع (ت ۱۳۸۵ هـ)^(۷)، و شیخ محمد فؤاد عبد الباقي (ت ۱۳۸۸ هـ)^(۸). و غیر آنها ده ها از علمای معاصرین دیگر که در علوم حدیث روایت و درایت تخصص وسیعی دارند.

همانند مودودی در البیانات : ۱۶۶ و ألبانی در مقاله ای حول مهدی: ۶۴۴ که در مجله تمدن اسلامی اهل سنت ۱۳۷۱ هـ عدد ۲۲ و شیخ صفاء الدین همانطور که در مجله جامعه اسلامی و عراقی اهل سنت ۱۴ عدد ۷ ص ۳۰ آورده و شیخ عبدالمحسن عباد در سخنرانی خود درباره امام مهدی که در مجله جامعه اسلامی در مدینه منوره ۱۳۸۸ هـ اهل سنت منتشر نموده و همین طور سخنرانی دیگر ایشان که همین مجله نیز آنرا در سال ۱۴۰۰ هـ در مورد پاسخ به کسانی که احادیث صحیح وارده در مورد مهدی را تکذیب کرده را منتشر نموده و شیخ تویجری در کتاب خود (الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر) و شیخ ابن باز همانطور که در اصدار خود برای کتاب (الاحتجاج بالأثر) که قبلاً ذکر شد و توضیح ایشان در مورد سخنرانی شیخ عبدالمحسن العباد و غیره می باشد)^(۹).

حال پس در مورد اعتقاد به امام مهدی عليه السلام اهل سنت و شیعه هر کدام با دلایل خود اتفاق نظر دارند؛ با توجه به اعتقاد آنها در اصل عقیده اما در تعیین مصداق دارای اختلاف هستند.

۱- عون المعبود شرح سنن أبي داود: ج ۱۱ ص ۳۶۱.

۲- نظم المتناثر: ص ۲۲۵-۲۲۸ ح ۲

۳- تحفة الاحوذی: فی شرح الحدیث رقم ۲۳۳۱، باب ما جاء فی المهدی.

۴- التاج الجامع للأصول: ج ۵ ص ۳۴۱.

۵- نظرة فی أحادیث المهدی - مقال نشرته مجلّة (التمدن) در سال ۱۳۷۰ هـ از شیخ مذکور، در ص ۸۳۱.

۶- إبراز الوهم المکنون: ص ۴۴۳ و بعد از آن، و المهدی المنتظر: ص ۵-۸، و همه آن از أبي الفیض آمده.

۷- كما فی الاحتجاج بالأثر: ص ۲۹۹.

۸- همانطور که در سخنرانی شیخ العباد (عقیده أهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر) در عدد ۴۶ از مجلّة الجامعة الإسلامية السعودية لسنة ۱۴۰۰ هـ منتشر شد.

۹- تطبیق و مقایسه در آنچه باعث اختلاف و تعارض در احادیث مهدی در کتب دو گروه آمده. سید ثامر هاشم العمیدی: ص ۱۱ و صفحات بعد از آن.

نزد اهل شیعه مهدی همان امام دوازدهم از آئمه اهل بیت علیهم السلام و اسم ایشان محمد بن حسن عسکری علیه السلام که بدنیا آمده و مدت طولانی است که در غیبت به سر می برند. و در حالی که اهل سنت معتقد هستند که مهدی در آخر الزمان به دنیا می آید و اسم ایشان محمد بن عبدالله یا احمد بن عبدالله است.

اما امروزه دعوت یمانی ثابت کرد که این اختلاف از دو طرف نشان دهنده جانبی از حقیقت است؛ آنگاه اسم مهدی همانطور که در کتاب (یمانی حجت خدا) دیدیم همانند آنچه که شیعه می گویند بر امام دوازدهم محمد بن حسن علیه السلام منطبق شده و هم بر احمد فرزند ایشان که در آخر زمان به دنیا می آید، منطبق می شود.

و در این صفحات از طریق روایات وارده در کتب اهل سنت سعی خواهیم کرد مختصری از این حقیقت را بیان کنیم:

اسم ایشان همانند اسم من و اسم پدر ایشان اسم پدر من است:

- ۱ - حدیث ابن ابی شیبیه و طبرانی و حاکم که همگی آنها از عاصم بن ابی نجر از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (دنیا به پایان نخواهد رسید تا اینکه خداوند مردی را بفرستد، اسم او شبیه اسم من و اسم پدر ایشان شبیه اسم پدر من است)^(۱)
- ۲ - حدیث خارج شده توسط ابو عمرو الدانی و خطیب بغدادی که همه از عاصم بن ابی نجر از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (ساعت بر پا نخواهد شد تا اینکه مردی از اهل بیت من بر مردم حکومت کند اسم او شبیه اسم من و اسم پدر ایشان شبیه اسم پدر من است)^(۲).
- ۳ - و حدیث ابن حماد و خطیب و ابن حجر که همگی آنها از عاصم از زر از ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند (مهدی اسمش شبیه اسم من و اسم پدرش اسم پدر من است)^(۳).

۱- المصنف از ابن ابی شیبیه: ج ۱۵ ص ۱۹۸ ح ۱۹۴۹۳، المعجم الکبیر از طبرانی: ج ۱۰ ص ۱۶۳ ح ۱۰۲۱۳ و ج ۱۰ ص ۱۶۶ ح ۱۰۲۲۲، مستدرک الحاکم: ج ۴ ص ۴۴۲، که آنها از شیعه کتاب مجلسی فی بحار الأنوار وارد نمود: ج ۵۱ ص ۸۲ ح ۲۱، از کشف الغمة از آریلی: ج ۳ ص ۲۶۱، که موضوع اخیر از کتاب الأربعین توسط نعیم نقل شد.

۲- سنن ابی عمرو الدانی: ص ۹۴-۹۵، تاریخ بغداد: ج ۱ ص ۳۷۰ که کسی آنها از اهل شیعه روایت نمی کند

۳- تاریخ بغداد: ج ۵ ص ۳۹۱، کتاب الفتن نعیم بن حماد: ج ۱ ص ۳۶۷ ح ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ ابن حماد در مورد آن می گوید: یک بار آنها بدون اینکه اسم پدرش را یاد کنند شنیدم، و در کتوز العمال آنها خارج کرد: ج ۱۴ ص ۲۶۸ ح ۳۸۶۷۸ از ابن عساکر، و سید ابن طاووس در التشریف بالمتن آنها نقل کرد: ص ۱۵۶ ح ۱۹۶ و ۱۹۷ باب ۱۶۳ از فتن ابن حماد، همانطور که ابن حجر در القول المختصر آنها نقل کرد: ص ۴۰ ح ۴ که مرسل است.

۴ - و حدیثی که توسط ابن حماد با سند آن از ابی طفیل خارج نموده (مهدی اسمش همانند اسم من و اسم پدرش اسم پدر من است)^(۱).

چیزی که اهل سنت از این روایات دریافتند ، نام مهدی (محمد بن عبدالله) است که می توان در شأن این احادیث که از یک جهت سه حدیث اول توسط بزرگان حافظ و سخنوران بوده و بدون عبارت (و اسم پدرش اسم پدر من است) روایت شده و این حدیث را احمد در مسند خود روایت نمود - و در جا های عدیدی دیگر فقط با این عبارت (و اسم ایشان اسم من است)^(۲) روایت کردند و این حالت نیز توسط ترمزی تکرار شده و حدیث را بدون عبارت (و اسم پدرش اسم پدر من است) و بدون اشاره به روایت آن از علی علیه السلام و ابی سعید خدری و ام سلمه و ابی هریره فقط با (اسم ایشان اسم من است) روایت کرده و گفته که - و بعد از روایت حدیث از ابن مسعود با این لفظ - : (در باب : از علی علیه السلام و ابی سعید و ام سلمه و ابی هریره ، که حدیث حسن (درست) و صحیح است)^(۳).

و طبرانی از راهای دیگر زیادی حدیث از ابن مسعود را با لفظ (اسم ایشان اسم من است) خارج کرده همانطور که در احادیث معجمه ارقام بزرگ : : ۱۰۲۱۴ و ۱۰۲۱۵ و ۱۰۲۱۷ و ۱۰۲۱۸ و ۱۰۲۱۹ و ۱۰۲۲۰ و ۱۰۲۲۱ و ۱۰۲۲۳ و ۱۰۲۲۵ و ۱۰۲۲۶ و ۱۰۲۲۷ و ۱۰۲۲۹ و ۱۰۲۳۰.

و همانند آن حاکم در کتاب مستدرک خود که حدیث را از ابن مسعود فقط با لفظ (اسم ایشان شبیه اسم من است) خارج کرده سپس گفت که : این حدیث با شرط دو شیخ صحیح است و در حالی که آنرا خارج نمی کند^(۴) . و ذهبی در این خصوص با او هم عقیده است .

و همین طور بغوی در کتاب خود مصابیح اهل سنت را یافتیم که حدیث را از ابن مسعود با توجه به تصریح حسن آن بدون (اسم پدرش اسم پدر من است) روایت می کند^(۵) . و همین طور مقدسی شافعی تصریح کرده که ائمه حدیث ادامه آنرا روایت نمی کنند و گفته که : بعد از اینکه حدیث را از ابن مسعود بدون این ادامه وارد کردند - : جماعتی آنرا از ائمه حدیث در کتب خود خارج کردند و از جمله آنها ابو عیسی ترمزی در کتاب جامعه و امام ابوداود در

۱- الفتن لنعیم بن حماد: ج ۱ ص ۳۶۸ ح ۱۰۸۰، و از سید ابن طاووس در التشریف بالمنن: ص ۲۵۷، ۲۰۰.

۲- مسند أحمد: ج ۱ ص ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۴۳۰ و ۴۴۸.

۳- سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۰۵ ح ۲۲۳۰.

۴- مستدرک الحاکم: ج ۴ ص ۴۴۲.

۵- مصابیح السنة: ص ۴۹۲ ح ۴۲۱۰.

کتاب سنن و حافظ ابوبکر بیهقی و شیخ ابو عمر والدانی نیز به این صورت هستند^(۱) و بدون جمله: (و اسم پدر ایشان اسم پدر من است) نقل کرده اند و تعدادی از احادیث که این موضوع را تأیید کرده و به افرادی از ائمه که آنرا خارج کرده اشاره داشته از جمله حفاظ طبرانی و احمد بن حنبل و ترمزی و ابی داود و حافظ ابی داود و بیهقی از عبدالله ابن مسعود و عبدالله ابن عمر و حذیفه هستند^(۲).

که بر اشاره قبلی مبنی بر خارج کردن آن توسط ترمزی از علی رضی الله عنه و ابی سعید خدری و ام سلمه و ابی هریره که فقط با لفظ (و اسم ایشان اسم من است) بوده اضافه شده است. و امکان درک این موضوع که همه این ائمه حفاظ بر بریدن این جمله (و اسم پدرش اسم پدر من است) از حدیث متفق بوده وجود ندارد در صورتی که آنها حقیقتاً از ابن مسعود روایت کرده باشند و در حالی که آنرا از عاصم بن نجود روایت کردند و با توجه به مفهوم جمله و ناقص ماندن آن در لغت با آنچه طرف دیگر مدعی بوده بریدن آن توسط آنها غیر ممکن است. و به همین خاطر است که استاد ازهری سعد محمد حسن را می یابیم که به صراحت اعلام می دارد که احادیث (اسم پدر ایشان اسم پدر من است) احادیثی وضعی هستند^(۳).

شافعی در بیان گفت: (حافظ ابو الحسن محمد بن حسین بن ابراهیم بن عاصم آبری در کتاب مناقب شافعی این حدیث را ذکر نموده و گفت: این جمله را خود در روایت اضافه نموده، اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا اینکه خداوند مردی از من یا از اهل بیتم را مبعوث نموده، اسم ایشان شبیه اسم من و اسم پدرش شبیه اسم پدر من است زمین را بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می کند. و ترمزی قول (اسم پدر ایشان اسم پدر من است) را ذکر نمی کند^(۴).

و در مشکات المصابیح گفت که: (ترمزی و ابو داود بدون جمله و اسم پدر ایشان اسم پدر من است روایت کردند و در بیشتر روایات حفاظ و افراد مورد وثوق از ناقلان اخبار فقط اسم ایشان اسم من است را روایت کردند و کسانی که همراه اسم پدر ایشان اسم پدر من است را روایت کرد را اضافه دانسته و خود به حدیث اضافه کردند. و قول مفصل در این

۱- عقد الدرر: ص ۵۱ باب ۲.

۲- عقد الدرر: ص ۵۱-۵۶ باب ۲.

۳- المهدیه فی الإسلام الأستاذ الأزهری سعد محمد حسن: ص ۶۹.

۴- البیان: ص ۴۸۲.

خصوص که امام احمد این حدیث را در جا های عدید مسند خود با همه دقت و تحقیق با عنوان اسم ایشان اسم من است روایت نموده است (۱).

و سلمی در عقد الدرر گفت که : (جماعتی از ائمه حدیث از جمله امام ابو عیسی ترمزی در کتاب جامعه و امام ابو داود در سنن و حافظ ابو بکر بیهقی و شیخ ابو عمر والدانی در کتب خود آنرا بدون جمله : اسم پدر ایشان اسم پدر من است ، آوردند) (۲).

و علی الخصوص حدیث چهارم که رشدین بن سعد مهری آورده داری سند ضعیف است و آن رشدین بن ابی رشدین که بر ضعف آن بین ارباب علم رجال از اهل سنت متفق شده است

و احمد بن حمبل : که از راوی آن ابایی نداشته و حرب بن اسماعیل گفت : از احمد بن حمبل در مورد آن پرسیدم پس آنرا تضعیف کرد ، و یحیی بن معین : حدیث خود را ننوشت . و از ابی زرعه : حدیث ضعیف است و ابو الحاتم گفت : حدیث را انکار کرده و جوزانی گفت معضلاتی دارد و منکرات آن زیاد است و نسائی گفت حدیث ترک شده و نوشته نشده است و من بجز هیشم بن ناجه که آنرا ثقه می داند کسی دیگر را نمی یابم که به آن اعتماد کند و در حالی که احمد بن حمبل در مجلس حاضر بوده و تبسمی همراه با خنده داشت و این دلالت بر اتفاق آنها بر ضعف آن دارد (۳).

با توجه به آنچه در شأن این روایات گفته شده می گویم : این امکان وجود دارد که توجه داشته باشیم که اتفاق آنها در تضعیف و طعنه زدن به این روایات در حقیقت نشأت گرفته از عدم درک هدف حقیقی آن است و در واقع نمی دانم که اهل سنت و غیر آنها چگونه از روایات متوجه شدند که اسم مهدی (محمد بن عبدالله) است ؟

واضح است که نام رسول الله ﷺ احمد است و تعالی فرمودند : (وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ)

(و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او احمد است بشارتگرم پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد گفتند این سحری آشکار

۱- مشکاة المصابیح: ج ۳ ص ۲۴.

۲- عقد الدرر: ص ۲۷.

۳- به: تهذیب الکمال: ج ۹ ص ۱۹۱ ح ۱۹۱۱، وتهذیب التهذیب: ج ۳ ص ۲۴۰ در شأن رشدین بن ابی رشدین نگاه کن .

است) (۱).

و از حضرت محمد ﷺ آمده: (من فرزند دو قربانی شونده (سر بریده) اسماعیل و عبدالله هستم) (۲) و با این وجود اسم مهدی همان (احمد بن اسماعیل) خواهد بود و این حدیث از ابو صالح سلیلی از رسول خدا ﷺ فرمودند (خود را به مکه برسانید که ایشان مهدی و اسمش احمد است) (۳)

شیخ محمود أبو ریه در این خصوص می گوید (چیزی که از مشکلات این روایت واضح است نزد عامه مردم این احادیث مختلف در کتب مشهور اهل سنت در مورد مهدی منتظر ذکر شده که در آخر الزمان خروج کرده تا آنرا پر از عدل و داد کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده و ایشان نزد اهل سنت محمد بن عبدالله و در روایتی احمد بن عبدالله است) (۴).

روایات اهل سنت بر دو مهدی اشاره می کنند:

با حمد خدا و مدد متعال امکان اثبات وجود مهدیین از طریق کتب اهل سنت در آخر الزمان وجود دارد همانطور که اثبات آن از طریق کتب شیعه به انجام رسید.

و ابن ابی شیبیه (۳۷۲۲۳)، و أحمد (۶ / ۳۱۶ / ۲۷۲۲۴)، و أبو داود (۴۲۸۶)، و أبو یعلیٰ (۶۹۰۱)، و طبرانی [فی الکبیر] (۲۳ / ۳۹۰ / ۹۳۱) و (۱۱۵۳ الأوسط) از أم سلمة رضي الله عنها از پیامبر ﷺ فرمودند: (بعد از مرگ یک خلیفه اختلافاتی اتفاق خواهد افتاد و مردی متواری از اهل مدینه به سوی مکه خواهد رفت پس مردمی از اهل مکه به سوی او رفته و او را بر خلاف میلش خارج کرده و در بین رکن و مقام با ایشان بیعت می کنند و در آن هنگام لشکری از شام بر ضد ایشان فرستاده می شود که در بین مکه و مدینه در بیداء در آنها خسف

۱- الصف: ۶.

۲- نگاه کن به: تفسیر ابي سعود - ابي السعود: ج ۷ - دار إحياء التراث العربي - بيروت دار إحياء التراث العربي - بيروت. ص ۲۰۰، و تفسیر الثعالبي - الثعالبي: ج ۴ - دکتر عبد الفتاح أبو سنة، شیخ علي محمد معوض، و شیخ عادل أحمد عبد الموجود الأولى ۱۴۱۸ دار إحياء التراث العربي - بيروت دار إحياء التراث العربي، مؤسسة تاريخ العربي - بيروت - لبنان: ص ۲۴، و تفسیر ابن کثیر - ابن کثیر: ج ۴ - تقديم: يوسف عبد الرحمن المرعشلي ۱۴۱۲ - ۱۹۹۲ م دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان: ص ۲۱، و تفسیر البحر المحيط - أبي حيان الأندلسي: ج ۷ - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق (۱) د. زكريا عبد المجيد النوقي، (۲) د. أحمد النجولي الجمل الأولى ۱۴۲۲ - ۲۰۰۱ م لبنان/ بيروت - دار الكتب العلمية: ص ۳۵۶.

۳- أبو صالح السليبي: كتاب الفتن من فتوح المهدي.

۴- أضواء على السنة المحمدية: ص ۲۳۲.

واقع می شود (فرو رفتن زمین) پس اگر مردم این اتفاق را دیدند ابدال شام و گروه هایی از اهل عراق به ایشان ملحق می شوند و در میان رکن و مقام با ایشان بیعت می کنند سپس مردی از قریش که خواهر زاده کلب است پدیدار و لشکری را به سوی آنها می فرستد و بر آنها ظاهر شده که آن ارسال کلب است و کسی که از غنایم کلب جا می ماند بی نصیب است پس مال تقسیم شده و سنتی همانند سنت پیامبر ﷺ را در مردم جاری می سازد و اسلام را در میان همه اهل زمین حکم فرما خواهد ساخت پس هفت سال حکومت کرده و سپس از دنیا رفته و مسلمانان بر ایشان نماز خواهند خواند (۱).

در این روایت واضح است که مهدی در مکه ظاهر می شود آنگاه مهدی از مدینه به سوی مکه خروج کرده و در آنجا مردمی به سوی ایشان شتافته و با او بیعت می کنند ولی در جانب این روایت، روایات زیاد دیگری یافت می شود که امر دیگری را از آنها مستدل می شویم. از عبدالله بن عمر وارد شده، گفت (مردی از فرزندان حسین از جانب مشرق بیرون می آید اگر کوه ها در مقابل ایشان ایستادگی کنند آنها را متلاشی کرده و در آنها مسیر هایی را اتخاذ خواهد کرد) (۲).

و از این روایت، مردی که از فرزندان حسین و از جانب مشرق خروج می کند، متوجه خواهیم شد که ایشان مهدی است امری که با حدیث بالایی تعارض داشته و امکان تطبیق وجود ندارد مگر با آنچه گفتیم و آن وجود بیشتر از یک مهدی در عصر ظهور است.

اما الان ثابت خواهیم کرد مردی که از فرزندان حسین است همان مهدی است:

از ابی جعفر، گفت: (جووانی از بنی هاشم که خالی در کف دست راست ایشان است از جانب خراسان با پرچم های سیاه خروج می کند و در کنار ایشان شعیب بن صالح است و با یاران سفیانی جنگ کرده و آنها را شکست خواهد داد) (۳).

حال پس کسی که از مشرق یا خراسان خروج می کند جوان یا همان مرد از فرزندان حسین است که با یاران سفیانی جنگ کرده و آنها را شکست می دهد.

و از علی، گفت: (پرچم های سیاه خروج کرده و با سفیانی می جنگد و در میان آنها جووانی از بنی هاشم که در کتف سمت راست ایشان خال است و در طلایه لشکرش مردی از بنی

۱- العرف الوردی: الحدیث رقم ۱۶.

۲- ابن حماد: ج ۱ ص ۳۷۲، و از او در تلخیص المشابه: ج ۱ ص ۴۰۷ آمده، و بیان الشافعی: ص ۵۱۳، و عقد الدرر: ص ۱۲۷، والقول المختصر: ص ۱۵.

۳- ابن حماد: ص ۸۴، و از او عقد الدرر: ص ۱۲۸، و الحاوی: ج ۲ ص ۶۸.

تمیم با نام شعیب بن صالح خوانده می شود پس یارانش (سفیانی) را فراری می دهند^(۱). از این روایت در می یابیم که این مرد از فرزندان حسین و صاحب پرچم های سیاه که در طلایه یا پیشگاه لشکرش مردی است که شعیب یا شعیب بن صالح خوانده می شود. و از عمار بن یاسر، گفت: (اگر سفیانی به کوفه رسید و یاران آل محمد را کشت مهدی که در پیشگاه لشکرش شعیب بن صالح است خروج می کند)^(۲).

حال پس جوان تمیمی شعیب بن صالح در طلایه لشکر مهدی خواهد بود و از این موضوع واضح خواهد شد که مقصود از مهدی در اینجا صاحب پرچم های سیاه است و او غیر از آن مهدی که در مکه خروج می کند.

و به خاطر اینکه نتیجه را بیشتر نمایان کنیم:

مسلم در کتاب صحیح خود و أحمد در مسند از ابی قلابه از ثوبان آورده اند که رسول خدا ﷺ فرمودند: (اگر پرچم های سیاه را از طرف خراسان در حال آمدن دیده اید به سوی آن بشتابید چونکه در میان آنها خلیفه خدا مهدی است)^(۳).

و نظیر این موضوع را ابن ماجه از ابی قلابه از ابی أسماء رجبی از ثوبان گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: (نزد گنج شما سه نفر کشته می شوند که همه آنها فرزند خلیفه هستند آنگاه برای هیچکدام از آنها میسر نمی شود و پرچم های سیاه از جانب مشرق بیرون آمده و شما را طوری خواند کشت که هیچ قومی اینطور نکشته است) - (سپس چیزی را گفت که من آنرا حفظ نکردم) - پس فرمود: اگر او را دیده اید حتی اگر به صورت خریدن با دست و پا باشد به سوی ایشان شتافته و با او بیعت کنید چونکه او خلیفه خدا مهدی است)^(۴).

حال پس خلیفه خدا مهدی همراه پرچم های سیاه از خراسان یا مشرق خواهد آمد.

و از عبدالله بن مسعود گفت: (زمانی که ما نزد رسول خدا ﷺ بودیم جوانانی از بنی هاشم وارد شدند پس هنگامی رسول خدا ﷺ آنها را دید و چشم هایش پر از اشک شده و رنگ

۱- ابن حماد: ج ۱ ص ۳۱۴، و از او الحاوی: ج ۲ ص ۶۹، و جمع الجوامع: ج ۲ ص ۱۰۳.

۲- ابن حماد: ج ۱ ص ۳۱۴، و الحاوی: ج ۲ ص ۶۸.

۳- صحیح مسلم: ج ۸ ص ۱۷۱ باب هلاک این امت توسط همدیگر کتاب الفتن، مسند أحمد: ج ۵ ص ۲۷۷.

۴- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۷۶ برقم ۴۰۸۴، و همین طور به حدیث نبوی نگاه کن: ج ۲ ص ۵ و در زوائد گفت: این سند صحیح بوده، و مردان آن ثقات هستند، و مهدی المنتظر علیه السلام در روشنی احادیث و آثار صحیحه - دکتور عبد العلیم عبد العظیم البستوی - ص ۲۰۳: و ألبانی در سلسلة أحادیث ضعیف و وضع شده گفت: "این سندی است عالی و همه مردان آن ثقات هستند، و شواهد زیادی دارد". و همین طور در توضیحاتش در مورد مشکاة المصابیح. و در صحیح الجامع الصغیر گفت: "صحیح". نتیجه: اسناد حسن.

صورتش تغییر کرد ، گفتم : چیزی که باعث آزار ما می شود را در صورت شما می بینیم ! فرمودند : خداوند برای ما اهل بیت آخرت را بر دنیا ترجیح داده و اهل بیت من بعد از من با بلایا و طرد و رانده شدن مواجه خواهند شد تا اینکه قومی از جانب مشرق همراه پرچم های سیاه خواهند آمد که حق را مطالبه می کنند و به آنها داده نمی شود پس جنگ کرده و پیروز خواهند شد آنگاه آنچه را که خواسته بودند را به آنها می دهند ولی قبول نمی کنند تا اینکه آنها را به مردی از اهل بیتم تحویل دهند و آن را پر از عدل می کند همانطور که پر از ظلم و جور شده است)^(۱).

در این روایت : پرچم های سیاه را به مردی از اهل بیت رسول خدا ﷺ تحویل می دهند و همانطور که معروف است او همان مهدی است . همانطور که عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی روایت می کند آنها برای مهدی تمهید می کنند و گفت : رسول خدا ﷺ فرمودند (مردمی از جانب مشرق خروج کرده و برای مهدی تمهید (زمینه سازی) می کنند)^(۲).

همانطور که از علی علیه السلام وارد شده آنها یارانش هستند ، علی علیه السلام فرمود : (وای بر طالقان چونکه برای خداوند عز و جل در آن گنج هایی که از طلا و نقره نبوده ولی در آن مردانی که خداوند را بحق معرفت شناخته وجود دارد و آنها یاران مهدی آخر الزمان هستند)^(۳).

در اینجا جای سوال وجود دارد که چه معنایی دارد آنها برای مهدی تمهید می کنند و معنی مهدی در میان آنها چیست؟؟ واضح است که بعضی ها در این روایات تعارض می بینند ولی اگر ما روایت بعدی را بخوانیم تعارض حل شده و حقیقت واضح می گردد :

۱- سنن أبي داود: ج ۴ ص ۱۰۷، والروض الفسیح: ج ۴ ص ۲، وكشف الغمّة: ج ۲ ص ۴۷۳. والعرف الوردی: ص ۴۸ ح ۵۹.

۲- ابن ماجة آنرا روایت کرد: ج ۲ ص ۱۳۶۸، وطبرانی نیز همانند او در اوسط: ج ۱ ص ۲۰۰ با تفاوت خیلی کم روایت کرده ، و از او بیان شافعی: ص ۴۹۰، وگفت: این حدیث حسن و راویان آن صحیح و مورد ثقة برای اثبات هستند ، وعقد الدرر: ص ۱۲۵، وتذكرة القرطبي: ص ۶۹۹، وفرائد سمطين: ج ۲ ص ۳۳۳، وخریفة العجائب: ص ۲۵۷، وتحفة الأشراف: ج ۴ ص ۳۰۷، والمنار المنيف: ص ۱۴۵، وفتن ابن كثير: ج ۱ ص ۴۱، والحافظ المغربي: ص ۵۵۵، وگفت: که حدیث صحیح است ، ومحمد بن مروان ثقة از آنچه که طاعن (ابن خلدون) از یحیی بن معین و ابی داود وابن حبان بر اختلاف عبارت آنها وتنعش در توثیق آنرا نقل کرد. وقول أبي زرعة غير مقبول است، اگر علت آن و عدالت وثوق آنرا نشان ندهد، بلکه کسی که از او در رجال شدیدتر یحیی بن معین است، و به همین خاطر عبد الله بن أحمد روایت را از او آورده، واما از قول بزار اطلاع نداریم که کسی در مورد آن پیروش بوده و حتی اگر هدف اتباع تام از شیخش بوده و آن نیز ممکن است ، و اگر هدفش اتباع مطلق است پس آنچه که ادعاء کرده غیر مسلم است چونکه در آن خصوص تا آخر کلام اتباع گردید.

۳- به الحاوي سيوطي: ج ۲ ص ۸۲، وكتر العمال: ج ۷ ص ۲۶۲، و در روایتی در ینابيع المودة: ص ۴۴۹: (به به و خوشا بر طالقان) نگاه کن .

از علی علیه السلام فرمودند : (هنگامی که سفیانی لشکری را به سوی مهدی رهسپار کند خسف بیدار در آنها واقع می شود و خبر آن به اهل شام خواهد رسید تا به خلیفه خود می گویند : مهدی خروج کرده و با او بیعت کن و گرنه شما را می کشیم و برای بیعت با ایشان فرستاده می شود آنگاه مهدی حرکت می کند تا اینکه به بیت المقدس برسد و خزائن به ایشان منتقل شود و عرب و عجم و روم و اهل حرب بدون جنگ مطیع ایشان خواهند شد تا اینکه مساجد در قسطنطنیه و اطراف آن بنا خواهد شد . قبل از ایشان مردی از اهل بیتش همراه اهل مشرق خروج کرده شمشیر را هشت ماه بر کتف خود حمل خواهد کرد حرکت کرده و می کشد تا اینکه متوجه بیت المقدش شده تا آنرا آزاد نکند نخواهد مرد)^(۱).

آنگاه مهدی که از مشرق خروج می کند از اهل بیت مهدی محمد بن حسن عسکری علیه السلام است که در مکه خروج می کند و یا اینکه ایشان همان احمد یا مهدی است که در آخر الزمان خروج می کند .

و در حقیقت شناخت و تمایز بین شخصیت دو مهدی ؛ صاحب پرچم های سیاه ؛ مهدی که در آخر الزمان به دنیا می آید و اسم ایشان احمد است و پدر ایشان امام مهدی محمد بن حسن علیه السلام باعث حل مناسب بسیاری از روایات که در ظاهر متعارض به نظر می رسد ، از جمله روایتی که از علی علیه السلام وارد شده خواهد شد^(۲) علی علیه السلام می فرمایند : (خداوند فتنه ها را با مردی از ما بر خواهد داشت و آنها را با ذلت پیش خواهد برد و جزء شمشیر چیزی را به آنها نمی دهد و شمشیر راهشت ماه بر دوش خود بصورت (هرج و مرج) حمل می کند تا اینکه بگویند : به خدا قسم که این از فرزندان فاطمه نیست و اگر از فرزندان ایشان بود رحم می کرد خداوند او را بر بنی عباس و بنی امیه مسلط خواهد کرد)^(۳).

مهدی که در این حدیث آمده وارد جنگ ها می شود و با آنچه که از ابی هریره وارد شده متناقض است ابی هریره گفت : (با مهدی در بین رکن و مقام بیعت می شود هیچ خوابیده ای را بیدار نکرده و هیچ خونی را نمی ریزد)^(۴).

۱- ابن حماد: ج ۱ ص ۳۴۹، و از او عقد الدرر: ص ۱۲۹، والحاوی: ج ۲ ص ۷۰، وجمع الجوامع: ج ۲ ص ۱۰۳، والمغربی: ص ۵۷۹.

۲- العرف الوردی: حدیث رقم ۱۳۰.

۳- الزیادة من (الفتن).

۴- العرف الوردی: حدیث رقم ۱۷۰.

پس کسی که در جنگ ها شرکت کرده و حماسه ها را می آفریند همان مهدی آخر الزمان که همراه پرچم های سیاه می آید و مهدی که هیچ خونی را نمی ریزد همان امام مهدی محمد بن حسن علیه السلام که در مکه خروج می کند .

امام مهدی محمد بن حسن علیه السلام :

بسیاری از علمای اهل سنت به ولادت امام مهدی محمد بن حسن علیه السلام اقرار کردند که لازم است در اینجا بعضی از آنها را ذکر کنیم :

۱ - علامه أبو سالم شافعی در کتاب مطالب سؤول گفت (... و او از فرزندان پاک بتول است که بطور قطعی پاره تن رسول است ... و اما مولد ایشان بصورت سر بوده و در ری (سامراء) در ۲۴ سال ۲۵۸ هجری است و اما نسبت پدر و مادر ایشان پدرش حسن خالص بن علی متوکل بن محمد قانع بن علی رضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد باقر بن زین العابدین بن حسین زکی بن علی مرتضی امیر المؤمنین ... (۱) .

۲ - شیخ محی الدین بن العربی در فتوحات گفت : (یقین بدانید که خروج مهدی لازم است و او از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله از فرزندان فاطمه (خداوند از او راضی باشد) و پدر بزرگش حسین بن علی بن ابی طالب و پدرش امام حسن عسکری فرزند امام محمد تقی فرزند امام علی رضا فرزند امام موسی کاظم فرزند امام جعفر صادق فرزند امام محمد باقر فرزند امام زین العابدین علی فرزند امام حسین فرزند امام علی ابن ابی طالب رضایت خدا بر ایشان باد ...) (۲) .

۳ - علامه سبط بن جوزی گفت : (او : محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب و لقبش أبو عبدالله و أبو القاسم و او خلف حجت صاحب الزمان قائم و منتظر و آخر و او آخرین ائمه است که عبدالعزیز بن محمود بن بزاز از ابن عمر به ما خبر داد که گفته : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند : (در آخر زمان مردی از فرزندانم خروج می کند اسم او همانند اسم من است و لقبش لقب من است زمین را پر از عدل می کند بعد از اینکه پر از جور شده او همان مهدی است . و این حدیث مشهور است) (۳) .

۱- مطالب السؤول: ج ۲ الباب ۱۲ .

۲- مشارق الأنوار - شیخ حسن الحمزاوی: ص ۱۱۲ طبع ۱۳۰۷ هـ .

۳- تذکرة الخواص: ص ۳۶۳ طبع ۱۹۶۴ م النجف .

۴ - ابن صباغ می گوید: ابو القاسم محمد حجت بن الحسن خالص در سر و در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمد و اما نسبت پدر و مادر ایشان ابو القاسم محمد حجت ابن الحسن خالص بن علی هادی بن محمد جواد بن علی رضا بن موسی کاظم بن جعفر صادق بن محمد باقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن علی بن ابی طالب صلوات خداوند بر همه آنها باد و مادر ایشان مادر فرزند که به او نرجس می گویند ..^(۱)

۵ - شیخ عبدالله بن محمد بن عامر شبرای شافعی در کتاب خود الإتحاف در حب اشراف در نمایشگاه حدیث خود در مورد امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: (برای او بسی شرف است که امام مهدی منتظر از فرزندانش است که برای خداوند در این بیت شریف دُری است و نسب شگرف و مرتفع که عقلت به آن افتخار می کند و جاه و قدر آن برایت کافی است که همه آنها در کرم و اصالت هستند متعادلان و در سهام مجد قسیم بوده و گفته می شود که از منزلتی عالی قدر اند ، صاحب جاه و منزلت ، بلند آوازه گی و شجاعت آنها معروف است و آسمانی که بر افلاک صاحب محل و منزلت است ، و از صفات کمال تکامل یافت که در آنها مستثنی است ، این ائمه در مجد نظم یافتند همانند نظم یافتن لؤلؤ یا دُر است و شرف را به ارث بردند پس اول آنها و آخر آنها برابر شدند و چقدر اقوامی در تصاحب جایگاه آنها سعی کردند ولی خداوند آنها دفع می کند و از سختی ها و تواضع در طریق جمع آنها گذشتند و در حالی که خداوند آنها جمع می کند و چقدر از حقوق خود گذشتند چیزی که خداوند آنها پنهان نگذاشته و از آن نمی گذرد خداوند بر دوستی آنها ما را زنده نگه داشته و ما را بر آن از دنیا می برد و ما در آنچه که خود را به او صلی الله علیه و آله و سلم منتسب می کنند وارد ساخت و بعد از او دنیا آورد (امام حسن عسکری) و فرزندش و او دوازدهم از ائمه است ابو القاسم محمد حجت در خفا و سر به دنیا آمد انهم در نیمه شعبان سال ۲۵۵ که ۵ سال قبل از وفات پدرش و هنگامی که به دنیا آمد او را مخفی نگه داشت و امرش را مخفی نگه داشت و آن به خاطر سختی های زمان و ترس از خلفاء چونکه در آن زمانه آنها به دشمن ستیزی هاشمین پرداخته بودند و با حبس و قتل آنها را قصد کرده و اعدام آنها را سلطنت ظالمین می دانستند و او امام مهدی علیه السلام همانطور که از احادیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها رسیده پی بردند و به آنها خبر داده که مهدی منتظر علیه السلام به جا مانده ظالمین را قطع خواهد کرد و بر دنیا مسلط خواهد شد و کسی از آنها را در زمین باقی نخواهد گذاشت .

سپس بعد از این گفت : نور این سلسله هاشمی و تحفه سفید و پاک نبوی و عصابه علوی اشراق یافت و آنها دوازده امام که منزلت آنها مشخص و صفاتشان منزّه و نفس آنها شریف و عزیز است و اصل و شجره آنها کریمه محمدی است و آنها : محمد بن الحجه بن الحسن خالص بن علی هادی بن محمد جواد بن علی رضا بن موسی کاظم بن جعفر صادق بن محمد باقر بن علی زین العابدین بن امام حسین برادر امام حسن فرزندان شیر غالب علی بن ابی طالب رضایت خدا بر همه آنها باد (۱).

۶ - شیخ حسین بن محمد بن حسن دیار بکری مالکی در کتاب تاریخ خمیس می گوید : (دوازدهم از ائمه محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا ملقب به بو القاسم ... در سر و خفا در ۲۳ رمضان سال ۲۵۸ هجری به دنیا آمد) (۲).

۷ - و شیخ محدث فقیه محمد بن ابراهیم جوینی حموی شافعی در فرائد سمطین گفت : (و اما شیخ مشایخ عظام منظور حضرات : شیخ السلام أحمد جامی نامقی و شیخ عطار نیشاپوری و شیخ شمس الدین تبریزی و جلال الدین مولانا رومی و سید نعمه الله الولی و سید نسیمی و غیر آنها در اشعار خود در مدح ائمه از اهل بیت طیبین رضایت خدا بر آنها باد ذکر کرده و در آخر آن مهدی را متصل به آنها مدح کردند و این دلایل واضحی است که اولاً مهدی به دنیا آمده ... و کسی که امر این افراد کامل و عارف را دنبال کند متوجه روشنی امر خواهد شد) (۳).

۸ - شیخ أبو المواهب شیخ عبد الوهاب بن أحمد بن علی شعرانی در کتاب خود یواقیت و جواهر می گوید : (و ایشان مهدی از فرزندان امام حسن عسکری و تولد او علیه السلام در شب نهمه شعبان سال ۲۵۵ و او باقی است تا با عیسی بن مریم علیهما السلام همراه شوند و عمر ایشان تا این زمان ما (۹۵۶ هـ) ۷۶۶ سال است) (۴).

۹ - و شیخ شهاب الدین أحمد بن حجر هیشمی در کتاب صواعق المحرقة خود می گوید : (و غیر از (ابو القاسم محمد حجت) امام حسن عسکری فرزندی را بدنیا نمی آورد و عمر او هنگام وفات پدرش ۵ سال است خداوند حکمت را به او عطا فرموده و با نام قائم و منتظر خوانده می شود ، گفته می شود به خاطر اینکه او مخفی مانده و غیبت نمود) (۵).

۱- الإتحاف بحب الأشراف: ص ۱۷۸ ، طبع مصر ۱۳۱۶ هـ.

۲- تاریخ الخمیس: ج ۲ ص ۳۲۱.

۳- فرائد السمطین .

۴- الیواقیت والجواهر: ص ۱۴۲ ط مصر ۱۳۰۷ هـ.

۵- الصواعق المحرقة: ص ۱۲۷ ط مصر ۱۳۰۸ هـ.

و در آنجا جمع زیادی از علمای مسلمین اعلام کردند که ایشان در ۱۵ از ماه شعبان سال ۲۵۵ هـ به دنیا آمده و به خاطر اینکه مجال ذکر همه گفته های آنها نیست به ذکر اسامی و محل حدیث آنها اکتفا می کنیم:

- ۱۰- سید مؤمن الشبلنجی در کتاب خود نور الأبصار.
- ۱۱- سید علی الخواص در إسعاف الراغبین لأبو العرفان: ص ۳۵.
- ۱۲- شیخ شمس الدین محمد بن طولون، وابن الأزرق در تاریخ (میافارقین) در کتاب ابن طولون - الأئمة طبع بیروت ۱۹۵۸ م.
- ۱۳- شیخ شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت الحموی رومی البغدادي در معجم البلدان: ج ۶ ص ۱۷۵ طبع مصر ۱۳۲۴ هـ.
- ۱۴- شیخ العارف فرید الدین العطار در کتاب خود مظهر الصفات.
- ۱۵- شیخ جلال محمد العارف البلخی الرومی معروف به مولوی، در دیوان کبیر خود در این خصوص ذکر کرد.
- ۱۶- شیخ کامل صلاح الدین الصفدی در کتاب خود شرح الدائرة.
- ۱۷- شیخ جمال الدین بن علی بن مهنا در کتاب خود عمدة الطالب: ص ۱۸۶ طبع النجف ۱۳۲۳ هـ.
- ۱۸- شیخ أبو عبد الله بن عقیف الدین الیافعی الیمنی المکی الشافعی در کتاب خود مرآة الجنان: جزء رقم (۲) ص ۱۰۷ - ۱۷۲ طبع ایران ۱۳۲۸ هـ.
- ۱۹- شیخ شهاب الدین والدولة آبادی در کتاب خود هدایة السعداء.
- ۲۰- شیخ شمس الدین بن أحمد الذهبی الشافعی در کتاب خود دولة الإسلام: جزء (۱) ص ۱۲۲ طبع حیدرآباد ۱۳۷۷ هـ.
- ۲۱- شیخ حسن العراقی المدفون فوق کرم الریش المطل علی بركة الرطل در مصر.
- ۲۲- شیخ نور الدین بن احمد بن قوام الدین معروف بجانی شافعی شاعر معروف در کتاب خود شواهد النبوة.
- ۲۳- شیخ نور عبد الرحمن مؤلف کتاب مرآة الأسرار.
- ۲۴- شیخ میر خواند، مؤرخ مشهور در کتاب خود روضة الصفا: ج ۳.
- ۲۵- شیخ شمس الدین محمد بن یوسف الزرندي در کتاب خود معراج الوصول إلى فضیلة آل الرسول.

- ۲۶- شیخ حسین بن معین الدین المیبدی در شرح الدیوان: ص ۱۲۳ - ۳۷۱.
- ۲۷- شیخ جلیل عبد الکریم الیمانی این مورد را در شعر خود ذکر کرد (به کتاب ینابیع المودة چاپ قدیم مراجعه کنید : ص ۴۶۶).
- ۲۸- شیخ عبد الرحمن البسطامی در کتاب خود درة المعارف.
- ۲۹- شیخ سعد الدین الحموی (به کتاب ینابیع چاپ قدیم مراجعه کنید : ص ۴۷۷).
- ۳۰- شیخ صدر الدین القونوی (به ینابیع مراجعه کنید : ص ۴۶۸).
- ۳۱- علامة أبو المجد عبد الحق الدهلوی البخاری در کتاب خود المناقب.
- ۳۲- علامة الشیخ حسن العدوی الحمزاوی، مشارق الأنوار.
- ۳۳- علامة ابن الأثیر، در تاریخ الكامل: ج ۷ ص ۹۰.
- ۳۴- علامة أبي فداء إسماعیل بن محمود الشافعی، در کتاب خود تاریخ أبي الفداء: ج ۲ ص ۵۲.
- ۳۵- شیخ محمد أمين البغدادی أبو الفوز السوری، در کتاب خود سبائك الذهب في معرفة قبائل العرب: ص ۷۷ باب ۶.
- ۳۶- شیخ علي الهروي القاري، در کتاب خود الموافاة في شرح المشكاة.
- ۳۷- شیخ موفق الخوازمي الحنفي، در المناقب.
- ۳۸- شیخ عامر البصري، در قصیده خود المسماة بذات الأنوار.
- ۳۹- شیخ جواد الساباطي، در کتاب خود البراهين الساباطية.
- ۴۰- شیخ نظر بن علي الحظمي النصري.
- ۴۱- شیخ حسین بن علي الكاشفي، مؤلف جواهر التفسير.
- ۴۲- خليفة العباسي ناصر دين خدا أحمد بن المستضيء بنور الله.
- ۴۳- علامة الشيخ أحمد فاروقي نقشبندی معروف به مجدد.
- ۴۴- علامة أبو الوليد محمد بن شحنة الحنفي، در کتاب خود روضة المناظر.
- ۴۵- قاضي فضل بن روزبهان، شارح الشمائل للترمذي.
- ۴۶- شیخ بن همدان الحصيني.
- ۴۷- علامة شمس الدين التبريزي، أستاذ المولوي الرومي.
- ۴۸- علامة الشيخ أبو الفتح بن أبي الفوارس، در أربعينه.
- ۴۹- علامة الشيخ عماد الدين الحنفي.
- ۵۰- شیخ ولي الله الدهلوي در النزهة.

۵۱- شیخ رشید الدین الدهلوی الهندی، در کتاب خود ایضاح لطافة المقال.
 ۵۲- شیخ میر خواند مؤرخ مشهور محمد بن خواند شاه بن محمود در کتاب خود (روضه الصفا): جزء سوم، وغیرهم.

و در حقیقت انکار وجود مهدی بر هیچ دلیلی استوار نیست مگر قضاوت های شخصی و با هوای نفس است و این کار را احادیث بسیار زیاد وارده از اهل بیت و و غیر آنها نقض می کند و از جمله آن احادیثی که بر دوازده امیر یا خلیفه تاکید می کند و آن بجزء بر ائمه اهل بیت علیهم السلام بر هیچ کسی منطبق نمی شود و با ولادت دوازدهم فرزند عسکری علیه السلام نتیجه کامل می شود و آنرا حدیث ثقلین که بر عدم جدایی بین قران و عترت در هیچ زمانی از زمان ها تاکید کرده آنگاه در هر زمانی از عترت پاک برای عدل قران لازم است .

و از جمله این احادیث :

أ- مسلم از جابر بن سمره روایت می کند که او پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده می فرمایند : (دین همچنان پا برجا خواهد ماند تا اینکه ساعت قیام کند و یا بر شما دوازده خلیفه همه آنها از قریش حکومت کنند) .

و در روایتی : (همچنان امر مردم در گذر خواهد بود ...)

و در دو حدیث از آنها : (تا به دوازده خلیفه ...) .

و در سنن ابی داود : (تا اینکه دوازده خلیفه بر شما حکومت کنند) .

و در حدیث : (تا به دوازده) ^(۱) .

در بخاری : شنیده ام که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند (دوازده امیر خواهند بود) و کلمه ای گفت که من نشنیدم پس پدرم گفت : (همه آنها از قریش هستند) .

و در روایتی : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد موضوعی صحبت نمود و از من مخفی ماند از پدرم سوال کردم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه چیزی را بیان نمودند ؟

۱- صحیح مسلم: ج ۳ ص ۱۴۵۳ ح ۱۸۲۱ در باب الناس تبع لقریش من کتاب الإمارة. واین لفظ از روایت را انتخاب کردیم ؛ چونکه جابر آنرا نوشته است ، و در صحیح بخاری: ج ۴ ص ۱۶۵ کتاب الأحكام، و سنن الترمذی، باب ما جاء في الخلفاء من أبواب الفتن، و سنن ابی داود: ج ۳ ص ۱۰۶ کتاب المهدي، و مسند الطیالسی: ح ۷۶۷ و ۱۲۷۸، و مسند أحمد: ج ۵ ص ۸۶-۹۰ و ۹۲-۱۰۱ و ۱۰۶-۱۰۸، و کنز العمال: ج ۱۳ ص ۲۶-۲۷، و حلیة ابی نعیم: ج ۴ ص ۳۳۳.
 و جابر بن سمره بن جنادة العامري سپس السوائي، ابن أخت سعد بن أبي وقاص، هم پیمان آنها، که بعد از هفتاد در کوفه از دنیا رفت، و أصحاب صحاح ۱۴۶ حدیثی را از او روایت کردند ، ترجمه آن بأ أسد الغابة. و تقریب التهذیب. و جوامع السیرة: ج ۲۷۷.

گفت: (همه آنها از قریش هستند)^(۱).

و در روایتی: (دشمنی هیچ دشمنی به آنها ضرر نمی رساند)^(۲).

ب - و در روایت: (امر این امت همچنان مستقیم خواهد ماند و بر دشمن خود چیره است تا اینکه دوران دوازده خلیفه از قریش بر مردم بگذرد سپس هرج و مرج اتفاق خواهد افتاد)^(۳).

ج - و در روایتی: (برای این امت دوازده قیم که سرپیچی هیچ کسی به آنها ضرر نمی رساند و همگی آنها از قریش هستند)^(۴).

د - (تا زمانی که دوازده مرد ولی باشند امر مردم گذرا خواهد بود)^(۵).

ه - از انس: (این دین برای دوازده مرد از قریش همچنان بر پا خواهد ماند و اگر به هلاکت رسیدند زمین همراه اهلش دگرگون خواهد شد)^(۶).

و - و در روایت: (امر این امت همچنان ظاهر خواهد ماند تا اینکه دوازده نفر همگی از قریش قیام کنند)^(۷).

و أحمد و حاکم و غیر آنها روایت کردند در حالی که اول جمله مسروق است گفت: (شبی پیش عبدالله (ابن مسعود) بوده و برای ما قرآن می خواند و مردی از ایشان سؤال کرده و گفت: ای ابا عبد الرحمن آیا از رسول خدا سؤال کردید که چند خلیفه بر این امت حکومت می کنند؟ عبدالله گفتند: در مورد این موضوع قبل از شما از زمانی که به عراق آمدم کسی سؤال نکرده از ایشان صلی الله علیه و آله سؤال کردیم و فرمودند: دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل)^(۸).

۱- فتح الباری: ج ۱۶ ص ۳۳۸، ومستدرک الصحیحین: ج ۳ ص ۶۱۷.

۲- فتح الباری: ج ۱۶ ص ۳۳۸.

۳- منتخب الکنز: ج ۵ ص ۳۲۱، وتاریخ ابن کثیر: ج ۶ ص ۲۴۹، وتاریخ الخلفاء للسیوطی: ص ۱۰، وکنز العمال: ج ۱۳ ص ۲۶، والصواعق المحرقة: ص ۲۸.

۴- کنز العمال: ج ۱۳ ص ۲۷، ومنتخبه: ج ۵ ص ۳۱۲.

۵- صحیح مسلم بشرح النووي: ج ۱۲ ص ۲۰۲، والصواعق المحرقة: ص ۱۸، وتاریخ الخلفاء للسیوطی: ص ۱۰.

۶- کنز العمال: ج ۱۳ ص ۲۷.

۷- کنز العمال: ج ۱۳ ص ۲۷ عن ابن النجار.

۸- مسند أحمد: ج ۱ ص ۳۹۸ و ۴۰۶. أحمد شاکر در حاشیه اول گفت: إسناد صحیح. ومستدرک الحاکم وتلخیصہ للذہبی: ج ۴ ص ۵۰۱، وفتح الباری: ج ۱۶ ص ۳۳۹ بطور مختصر، ومجمع الزوائد: ج ۵ ص ۱۹۰، والصواعق المحرقة لابن حجر: ص ۱۲، وتاریخ الخلفاء للسیوطی: ص ۱۰، والجامع الصغیر از او: ج ۱ ص ۷۵، وکنز العمال متقی: ج ۱۳ ص ۲۷. وگفت که: طبرانی ونعیم بن حماد در فتن آنرا خارج کردند، وفیض قدیر فی شرح الجامع الصغیر برای مناوی: ج ۲ ص ۴۵۸، ابن کثیر در تاریخ خود از ابن مسعود، باب ذکر الأئمة الاثني عشر الذين كلهم من قریش: ج ۶ ص ۲۴۸ - ۲۵۰.

ح - و در روایتی ، ابن مسعود گفت : رسول خدا ﷺ فرمودند : (بعد از من خلفاء به تعداد یاران موسی خواهند بود)^(۱) .

ابن کثیر گفت همانند این حدیث از عبدالله بن عمر و حذیفه و ابن عباس روایت شده است^(۲) .

و در واقع نمی دانم که منظور از روایت همانی که ابن عباس از حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده و یا غیر آن است .

و روایات زیادی تاکید کرده که عده اولیاء دوازده و از قریش هستند و امام علی علیه السلام مقصود کلام خود از قریش را مشخص نموده و فرمودند : (ائمه از قریش از یک شکم از هاشم هستند و بر کسی غیر از آنها صحیح نیست و اولیاء از غیر آنها صحیح نیست)^(۳) .

و فرمودند : (خداوندا آمین که زمین از قائم خالی نماند با حجتی که ظاهر علنی یا باطنی و یا ترسیده ای که اصلش خامل است تا اینکه حجج خدا و تبیانش باطل نشود ...)^(۴) .

خلاصه بحث که گذشت : عدد ائمه بصورت متوالی بر این امت دوازده نفر است .

و در حدیث اول آمده که : (تا زمانی که این دین پا برجا می ماند که ساعت قیام کند و یا بر شما دوازده خلیفه حکومت کنند ...)

و در حدیث هشتم : عدد آنها را با قول خود در دوازده نفر محدود کرد : (بعد از من خلفاء به تعداد یاران موسی خواهد بود) .

مهدی آخر زمان همان یمانی است :

روایات شخصیت مهمی را از شخصیت های عصر ظهور یاد می کند و آنرا یمانی و احياناً در بعضی مواقع قحطانی می نامند و در خواندن روایات مشخص می شود که این نام بر بیشتر از یک شخصیت نهاده می شود .

و ممکن است بعضی از آنها منحرف باشد و آنچه در این بحث خیلی آشکار است راویان میان این شخصیت ها قاطی کرده و روایات آنها با تداخل بسیار زیادی و عدم تمییز آمده است .

۱- ابن کثیر: ج ۶ ص ۲۴۸، وکنز العمال: ج ۱۳ ص ۲۷، وراجع شواهد التنزیل للحسکانی: ج ۱ ص ۴۵۵ ح ۲۲۶ .

۲- ابن کثیر: ج ۶ ص ۲۴۸ .

۳- نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۲ .

۴- ینابیع المودة للشیخ سلیمان الحنفی درباب المائة: ص ۵۲۳، و به علوم الدین للغزالی مراجعه کن : ج ۱ ص ۵۴، و در حلیة الأولیاء: ج ۱ ص ۸۰ بایجاز .

نعیم بن حماد روایت می کند و می گوید : (بقیه و عبد القدوس از صفوان از شریح بن عبید از کعب با ما صحبت کرده که می گوید مهدی کسی نیست جزء اینکه از قریش و خلافتی نیست مگر در آنها باشد و حتماً باید اصل ونسبی در یمن داشته باشد) ^(۱).

طبق این روایت مهدی دارای اصل ونسبی در یمن است و مقصود همان اصلی که به رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ که به مکه و مکه از تهامه و تهامه از یمن منتهی می شود .

نووی در شرح مسلم گفت : (... و در روایتی : اهل یمن که مردمی نازک دل بوده آمدند ، ایمان یمان و حکمت یمانی و در روایتی اهل یمن که صاحب قلب های ضعیف و نازک دل هستند به سوی شما آمدند ، ایمان یمان و حکمت یمانی است ... و گفته می شود مکه از تهامه و تهامه از یمن است و دوم اینکه پیامبر ﷺ حدیثی را روایت می کند که فرموده مراد از مکه و مدینه همان بتوک و مکه و مدینه بین آن و یمن است و به یمن اشاره نموده در حالی که قصد ایشان مکه و مدینه است و فرمودند که : ایمان یمان است و چون آن قسمتی از یمن است و آنرا به یمن نسبت داد همانطور که رکن یمانی گفتند در حالی که در مکه و آن به خاطر اینکه در ناحیه یمن است و سوم آنچه که بسیاری از مردم به آن اعتقاد دارند و نزد ابی عبید بهترین است که منظور از آن انصار است زیرا که آنها در اصل یمانی هستند و به خاطر اینکه آنها انصارش هستند ایمان را به آنها نسبت داد) ^(۲).

و ابن حماد روایت کرد که : (ولید ابن مسلم با ما صحبت کرد از جراح از أرتاة گفت : امیر عصب از این و از آن نیست ولیکن آنها صدایی می شنوند که انسان و جن آنرا نگفته با فلانی بیعت کنید که با هیچ طرفی نیست ولیکن او خلیفه یمانی است) ^(۳).

ابن منظور در لسان عرب گفت : (صفت مهدی : قریشی یمان که به هیچ طرفی وابسته نیست و یا اینکه نسبش از این انساب اهل یمن نیست و در حالی که آنها خر و در میان آنها مردمانی مزخرف و عده ای دیگر محترم هستند و قول ایشان : قریشی یمان یا قریشی نسب که منشاء اش یمانی است) و صدایی که هیچ انسان و جنی آنرا نگفته از آسمان است و زهری گفت : (مهدی بعد از خسف از مکه بیرون می آید همراه سیصد و چهارده مرد به عدد اهل بدر پس ایشان و صاحب لشکر سفیانی رو در رو می شوند و در آن روز اصحاب مهدی بهشتشان براذع یعنی درع خورشید است) (که قبل از این به روز برداع نامیده شده) و گفته می شود که

۱- الفتن: ص ۲۳۱.

۲- شرح مسلم - النووی: ج ۲ ص ۳۰-۳۳.

۳- کتاب الفتن - نعیم بن حماد المروزی: ص ۶۶.

در آن روز ندایی از آسمان شنیده می شود منادیی که ندا می دهد : که اولیاء خدا یاران فلانی هستند - منظور مهدی - پس ترس اصحاب سفیانی را فرا می گیرد و کشته می شوند و از آنها کسی باقی نمی ماند مگر اینکه فراری باشد و به سوی سفیانی فرار کرده و او را خبر می دهند و مهدی به سوی شام می رود و سفیانی برای بیعت با مهدی ملاقات می کند و مردم از هر جهت به سوی ایشان می شتابند و زمین پر از عدل می شود (همانطور که پر از جور بود) (۱)

و صدایی که در آسمان ندا می دهد و در حالی صدای انسان و جن نیست حتماً صدای ملائکه است و این صدا به اسم مهدی نداء می دهد و در روایت سابق از نعیم بن حماد این مهدی را با صفت خلیفه یمانی می خواند .

و از روایت بالا معلوم است که این مهدی آن مهدی نیست که هیچ خونی را نمی ریزد بلکه این مهدی از میان جنگ ها خواهد گذشت .

بلکه نداء یا صیحه آسمانی مهدی را به اسم می خواند و او أحمد است و از رسول خدا ﷺ فرمودند (اگر انتهای ۳۵۰ بود - و کلمه ای را یاد نمود - منادی از آسمان ندا داد : ای مردم خداوند مدت زمان حکومت جبارین و منافقین و اتباعشان را پایان داده و جابر بهترین امت محمد را برای ولایت شما انتخاب نمود به مکه برسید که او مهدی و اسمش احمد بن عبدالله است) (۲) .

و شاید که مقصود روایت اخیر مهدی آخر الزمان و یا یمانی باشد :

نعیم در کتاب فتن خود روایت نموده و گفت : ابن لهیعه با ما صحبت نمود از عبد الرحمن بن قیس بن جابر صدفی از رسول خدا ﷺ فرمودند : (مردی از اهل بیتم خواهد بود که زمین را پر از عدل می کند بعد از اینکه پر از جور شده سپس بعد از ایشان قحطانی است و قسم به کسی که مرا مبعوث نمود او کسی دیگر است)

همین طور نعیم نیز روایت می کند : (عبدالرزاق از معمر از ابن ابی ذئباز سعید بن ابی سعید مقبری از ابی هریره گفت : روز ها و شب ها به پایان نمی رسد تا اینکه مردی از قحطان بر مردم حکومت کند .

۱- العرف الوردی: حدیث رقم ۱۴۸ .

۲- أبو صالح السلیلی: کتاب الفتن من فتوح المهدی .

عبد العزیز بن محمد الدراوردی از ثور بن زید دثلی از اَبی غیث از اَبی هریره رضایت خدا بر او باد از پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند : ساعت بر پا نمی شود تا اینکه مردی از قحطان خروج کرده و مردم را با عصای خود به جلو ببرد ...

ولید از معاویه بن یحیی از اُرطاة بن منذراز حکیم بن عمیر از تبعی از کعب گفت : جنگ هایی بسیار سخت و طاقت فرسا بر دست آن یمانی اتفاق خواهد افتاد و آن به هنگام حکومت پنجم از اهل هرقل خواهد بود.

ولید از یزید بن سعید از یزید بن اَبی عطاء از کعب گفت : یمانی ظهور کرده و قریش را در بیت المقدس می کشد و جنگ ها بر دست ایشان اتفاق خواهد افتاد (۱).

از عبدالله بن عمرو بن العاص گفت : (ای اهل یمن ادعاء می کنید که منصور از شما است قسم به کسی که جانم در دست او ست که پدرش قریشی است و اگر می خواستم تا آخرین جدش را می نامیدم) (۲).

منظور از منصور لقبی برای یمانی بوده و او قریشی نسب و انتساب ایشان به یمن تنها به خاطر (اینکه برای ایشان اصل و نسبی در یمن است) و یا به این خاطر که مکه از تهامه و تهامه از یمن است .

آنگاه روایات زیادی از طریق کتب شیعه و اهل سنت دال بر اینکه فرزندان مهدی حکومت را بعد از ایشان به دست می گیرند که از جمله این احادیث آنچه که از ابن قتیبه در کتاب عیون اخبار آمده : (محمد بن عبید گفت : ابو أسامه از زائده از سماک از سعید بن جبیر از ابن عباس هنگامی که با آنها بود شنیده که می گویند : در این امت دوازده خلیفه خواهند بود ، گفت : شما چقدر احمق هستید . چون بعد از این دوازده نفر سه نفر از ما خواهند بود : سفاح و منصور و مهدی که آنرا تسلیم دجال می کند . أبو أسامة گفت تأویل این حدیث نزد ما این است که فرزندان مهدی بعد از ایشان خواهند بود تا اینکه دجال خروج کند)

ابن حجر گفت : (... أبو حسین بن منادی در جزء که در مورد مهدی جمع کرده گفت وجود دوازده خلیفه در معنی این حدیث محتمل است که بعد از مهدی آخر الزمان خواهند بود چونکه در کتاب دانیال یافتیم که اگر مهدی از دنیا رفت پنج مرد از سبط اکبر حکومت کرده سپس پنج نفر از فرزندان سبط اصغر حکومت می کنند سپس آخرین آنها به مردی از سبط اکبر وصیت می کند و بعد از او فرزندش حکومت می کند و دوازده نفر کامل شده و هر کدام از

۱- ص ۲۳۷.

۲- ابن حماد: ج ۱ ص ۱۲۰، و عنه السیوطی فی الحاوی: ج ۲ ص ۹.

آنها امام مهدی هستند ... و در روایت اَبی صالح از ابن عباس : اسم مهدی محمد ابن عبدالله و او مردی میان اندام دارای صورت مایل به قرمز خداوند به واسطه او هر ناراحتی را از این امت دور می سازد و به واسطه عدلش هر جوری را از بین می برد سپس بعد از او ولایت امر را دوازده مرد می گیرند شش نفر از فرزندان حسن و پنج نفر از فرزندان حسین و آخرین آنها از غیر شان ، سپس از دنیا رفته و زمانه به تباهی کشیده می شود (۱).

و علی رغم عدم صحت توجیه این موضوع توسط ابن منادی در باره حدیث دوازده خلیفه وارده از رسول خدا ﷺ به این معنی که گفته آنها بعد از رسول خدا ﷺ بوده و نه بعد از مهدی است در حالی که در حدیث تاکید واضحی بر وجود ولایت دوازده نفر بعد از مهدی است و اگر در این جا تعارضی میان حدیث وارده از ابن قتیبه با این عنوان که آنها فرزندان مهدی هستند ممکن که این تعارض را با این قول حل کرد که آنها از فرزندان مهدی و ایشان از ذریه حسین ﷺ هستند .

یمانی در تورات و انجیل :

بشارت در عهدین قدیم و جدید در مورد منقذ یا مخلص که در آخر الزمان ظهور می کند آمده است و در سفر حجی آمده :

(همه امت ها را مضطرب می کند . برای فتح همه امت ها می آید ، ارباب لشکریان می گوید این بیت را از مجد به حد اعلاء می رسانم) (۲).

و در سفر اِشعیاء : (۲۶ از دور پرچم خود را برای امم بر افراشته می کند ، و از دورترین نقاط زمین برای او تسلیم می شوند ، و در حالی که آنها با عجله و با سرعت به سوی او می آیند . ۲۷ در میان آنها کسل و یا منحوس وجود ندارد . خواب به چشم آنها نمی آید و نمی خوابند ، کمر بند های راحت آنها باز نمی شود و بند کفش شان قطع نمی شود . ۲۸ کسانی که نیزه هایشان تیز است و همه کلام حق را در اختیار مردم می گزارند و پاشنه پا های اسبان آنها همانند گرانیت می ماند و صبح و عصر آنها یکی است . ۲۹ قرش شیری همچون قرش شیر ماده دارند و قرش آنها جوان و بالنده است و دشمن خود را همچون شکاری می گیرند که هیچ فریادرسی آنرا از دست آنها خلاص نمی کند . ۳۰ در آن روز خون آنها را همانند جریان

۱- فتح الباری: ج ۱۳ ص ۱۸۴، وانظر المناوی فی فیض القدیر: ج ۲ ص ۵۸۲، وعمدة القاری للعینی: ج ۲۴ ص ۲۸۲.

۲- حجی: ۲-۷.

آب دریا می ریزند . پس اگر به زمین نگاه کنی همچون تاریکی و تنگناه می ماند و نور حتی ابر های آنرا تاریک خواهد کرد) (۱).

و در (انجیل یوحنا : ۱۴) : (۲۶ و اما معزی ، روح قُدُس که پدر او را به اسم من می فرستد و او همه چیز را به شما می آموزد و همه آنچه را که شما گفتم را به شما یاد آوری خواهد کرد . سلام را برای شما به جا می گزارم و سلام را به شما می دهم و نه همانطوری که عالم به شما می دهد . دل های شما مضطرب و هراس نکند . ۲۸ شنیده اید که به شما گفتم : من می روم اما دوباره به سوی شما باز می گردم . اگر مرا دوست داشتید حتماً خوشحال می شوید چون من به سوی پدر می روم و پدرم از من عظیمتر است . ۲۹ و الان قبل از اینکه اتفاق بیفتد به شما اطلاع دادم تا اینکه زمانی ایمان بیاورید . ۳۰ همین طور زیاد با شما صحبت نمی کنم زیرا که رئیس این جهان می آید و در حالی که در آن چیزی ندارد . ۳۱ ولیکن بخاطر اینکه جهان بداند که من پدر را دوست دارم و همانطور که پدر به من وصیت نموده انجام دهم . بلند شوید تا از اینجا برویم) .

و در (یوحنا : ۱۵) : (۲۶ و معزی که من او را از جانب پدر برای شما می فرستم چه زمانی می آید ، روح حق ، کسی که از جانب پدر ظهور می کند و او برای من شهادت می دهد . ۲۷ و همین طور شما برای من شهادت می دهید چونکه شما از اول با من بودید) .

در رابطه با این موضوع مطالب زیاد است و به علت شهرت و سیعش و همین طور اتفاق همه ادیان بر مسأله منقذ آخر الزمان ما را از نوشتن دوباره آن معاف می کند ولی آنچه که در حال حاضر برای ما مهم است بیان اینکه منقذ خود امام مهدی علیه السلام است که در آخر الزمان ظهور می کند .

و شاید بهترین چیزی که الان باید به آن پردازیم آنچه که در سفر دانیال در اصحاح هفتم ایشان آمده : (دنیال جواب داده و گفت که در خواب شبم می دانستم و در حالی که آسمان با چهار تند باد بر دریای بزرگ هجوم کرد * و از دریا چهار حیوان بزرگ جثه و مختلف بیرون آمدند * اولی همانند شیر که دارای بال های دیو است * و در حالی که نگاه می کردم بال های خود را جمع کرده و بر زمین نشست و همانند انسان بر پا هایش نشست و به او قلب انسان داده شده * و آنگاه حیوان دوم که شبیه خرس و بر یک جانب بلند شد و در دهانش سه ضلع میان دندان هایش است و به او گفتند به اینصورت بلند شو و گوشت زیادی بخور * و بعد از این می دیدم که حیوان دیگری همانند ببر که بر پشت خود چهار بال پروازی داشته . این حیوان

چهار سر داشته و سلطنتی در اختیار او بود* و بعد از این در خواب شبم دیدم حیوان چهارم که قوی و بزرگ و خیلی جدی و دارای دندان های بزرگ و آهنی بوده . خورد و زیر پا گذاشت و مابقی را زیر پای خود له کرد و مخالف همه حیوانات قبل از خود و دارای ده شاخ بود* و در حالی که در شاخ هایش متأمل بودم یک باره شاخ کوچک دیگری بیرون آمده و سه شاخ از شاخ های قبلی را از جا کند و در حالی که چشم هایی همچون چشم های انسان و دهان متکلم در باره عظیم در این شاخ بیرون آمد* و در حالی که می دیدم که عرش هایی نهاده شد و قدیم الیام که لباسش سفید همانند برف و موی سرش همانند پشم پاک و خالص و عرش او در آتش فروزان و اطراف او آتشی بر افراشته است* و نهر آتشی واضح که از جلوی او جریان دارد . هزاران هزار در خدمت او بوده و بصورت گروه گروه جلوی او ایستاده اند . آنگاه دین نشست و سفرها باز شد* در آن هنگام به کلماتی عظیمی که آن شاخ صحبت کرد گوش می دادم . و می دیدم که حیوان کشته شده و جسمش به هلاکت رسیده و به عنوان هیزم آتش به کار برده شد و اما از باقی حیوانات سلطنت شان گرفته شده ولی تا زمانی فرصت حیات داده شد* و در خواب شب می دیدم و در حالی که همراه ابر های آسمان همانند فرزند انسان آمده و قدیم روزها آمده ولی آن را جلوی او نزدیک کردند* پس به او سلطنتی و مجد و ملکی داده شد تا اینکه همه شعوب و امت ها و سنت ها به پیروی ایشان پرداختند سلطنت او سلطنتی ابدی که زوال در آن قرار نمی گیرد و ملکوتش قابل انقراض نیست* و اما من دانیال روحم در وسط جسمم ناراحت شده و رویای سرم مرا بیدار کرد* پس به یکی از مطلعین نزدیک شده و حقیقت همه آن چیزی که دیدم را از او خواستم . در مورد تفسر این امور به من خبر داد و گفت* حیوانات بزرگ اینها چهار پادشاه که بر زمین حکومت می کنند* اما از علی اعلاء مایوس شده و فکر کردند که تا ابد الابدین حکومت می کنند* و در حالی که حقیقت از حیوان چهارم بر ملاء شد همانی که مخالف همه آنها بود و خیلی وحشتناک و دندان هایش از آهن بود و ناخن هایش از عنصر فلزی بود و خورد و زیر پا گذاشت و ما بقی را زیر پا له کرد و در مورد ده شاخ و شاخی دیگری که بیرون آمد و سه تای دیگری که از بیخ در آمدند و دارای چشم و دهانی که با عظیم تکلم می کند و نگاهش شدیدتر از رفاقتش است* و در حالی که نگاه می کردم ، دیدم که این شاخ با علمای دین جنگ می کرد و آنها را برده تا اینکه عهد قدیم روزها آمده و دین را به جایگاه حقش رساند و بر زمان مسلط شده و صاحبان حق مملکت را در اختیار گرفتند* به این شکل گفت و اما در مورد حیوان چهارم پس مملکت او مملکت چهارم زمین و مخالف سایر ممالک است و همه زمین

را خورده و آنرا زیر پا گذاشته و له می کند * و شاخ های دهگانه یعنی ده پادشاهی که حکومت کرده و بعد از آنها یکی دیگر حکومت می کند و او مخالف ملوک قبل از خود بوده و سه حاکم را ذلیل کرده و با کلامی مخالف کلام علی العلاء صحبت کرده و اهل حق را از بین می برد و گمان می کند که او زمان و سال ها را تغیر می دهد و تا مدت زمانی و زمان ها و نیمه زمان تسلیم او می شوند * پس دین رکود کرده تا حکومت را از آن بگیرند و آنرا تا نهایت از بین ببرند و مملکت و سلطان و عظمت مملکت زیر همه آسمان به ملت حق اعلاء را می دهد . ملکوتش ملکوت ابدی است و همه پادشاهان ایشان را عبادت و اطاعت می کنند * و نهایت امر تا اینجاست) .

شیری که دو بال داشت به امپراتوری انگلیس که شعار آنها شیر و دارای دو بال است اشاره دارد و اما خرس هم شعار سوفیت که گوشت زیادی خورد یا عده زیادی از مردم را کشت و اما حیوان آهنی امپراطوری آمریکا که در حال حاضر همه زمین را زیر پا گذاشته و با سلاح و مال بر همه زمین مسلط شده است ^(۱) .

و در اینجا مهم است که اشاره ای به علمای مسیح و یهود داشته باشیم که در مورد ممالک مقصود متفق القول شدند که : مملکت ها بابل و فارس و یونان و روم هستند و تفسیر (ابن انسان) که در خواب آمده را اینگونه تعبیر کردند که از نظر مسیحی ها حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و از نظر مسلمانان حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و واضح است که هر دو گروه در تفسیر این خواب شکست خوردند .

آنگاه اگر خواب بر پایان مملکت چهارم به دست (ابن انسان) تأکید می کرد و در حالی که معروف است که مملکت روم بر دست حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پایان نرسید .

و شاید این موضوع توسط موضوعات دیگر واضحتر خواهد شده و آمدن (ابن انسان) و منتخبان ایشان با آمدن پلید مخرب و اشتعال آتش و همین طور تأسیس دولت عدل الهی یا مملکتی که در آن همراهان منتخب ایشان حکومت می کنند همراه خواهد بود .

و در خواب یوحنا آنچه را که دانیال در خواب خود توصیف کرده و در زمان بعد از عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ اتفاق می افتد را مورد تأکید قرار می دهد و در نتیجه امکان اینکه پلید مخرب (رجسة الخراب) دولت روم بوده وجود ندارد همان طور که مفسران تفسیر کردند و در صحاح

۱- سید أحمد الحسن در کتاب وصی و رسول الإمام المهدي في القرآن والتوراة والإنجيل آنرا به این شکل تفسیر نموده است

چهارم آمده : (و بعد از این نگاه کردم و در حالی که در بازی را در آسمان دیدم و صدای اول که شنیدم همانند بوق با من صحبت می کرد : به اینجا صعود کن تا آنچه بعد از این اتفاق می افتد را به شما نشان دهم)^(۱).

خواب یوحنا رازی را آشکار می کند - همان اتفاقاتی است که خواب دانیال آنرا بیان نمود - و در زمانی بعدی همان روایات اتفاق خواهد افتاد و همانطور که آشکار است زمانی بعد از حضرت عیسی علیه السلام بود .

و دلیل بر اینکه اتفاقات در هر دو خواب یکی است مختصری از روایات را ذکر خواهیم نمود : (۱۲) ده شاخی را که دیدم دلالت بر ده حاکم هستند که در نهایت حکومتی را صاحب نمی شوند ولیکن آنها حکومت خود را همانند سلاطین یک ساعته همراه وحوش به دست می گیرند . ۱۳ اینان دارای رای واحدی هستند و به وحش قدرت و سلطان خود را می بخشند . ۱۴ اینان با گوسفند نر خواهند جنگید

و گوسفند نر آنها را شکست خواهد داد زیرا که او رب الارباب و پادشاه پادشاهان است و کسانی که همراه او هستند دعوت شدگان و منتخب و مؤمن هستند)^(۲).

و در سفر دانیال آمده : (۳۱) ای پادشاه شما نگاه می کردی و یک باره مجسمه عظیمی را دیدی . این مجسمه عظیم و خیلی زیبا در مقابل شما قرار گرفته و منظر آن دلفریب است . ۳۲ سر این مجسمه از طلای ناب و سینه و دست های آن از نقره است . و شکم و پا های آن از نحاس است . ۳۳ و ساق هایش از آهن است . قسمتی از کف پا هایش از آهن و قسمت دیگر از فخار است . ۳۴ در حال نگاه کردن بودی که به یک باره سنگی را بدون دست کند و مجسمه را بر دو قدمگاهش که از آهن و فخار بوده کوبید و آنها را زیر پا گرفت . ۳۵ و در همین حین آهن و فخار و نقره و طلا را با هم له شدند و همانند بادی که به موضع جمع آوری حیوانات در تابستان می وزد شدند پس باد آنرا حمل کرده و اثری از آن باقی نماند . و اما سنگی که مجسمه را زد کوهی بزرگ شده و همه زمین را فرا گرفت . ۳۶ این همان خواب است . پس به تعبیر آن قبل از آمدن حاکم خبر می دهیم . ۳۷ و شما ای حاکم ای حاکم حاکمان زیرا که خدای آسمان ها به شما مملکت و اقتدار و سلطان و افتخار عظمی را نصیب کرد . ۳۸ و همه بنی بشر و وحوش زمین و پرندگان آسمان را به شما واگزار کرده و شما را بر همه آنها مسلط نمود . و شما همان سر از طلا هستی . ۳۹ و بعد از شما مملکتی کوچکتر از

۱- رؤیا یوحنا: ۴- ۱.

۲- رؤیا: ۱۷.

مملکت شما و مملکتی دیگر از نحاس بر پا خواهد شد و بر همه زمین مسلط خواهند شد . ۴۰ و مملکتی چهارم که همانند آهن سفت خواهد بود زیرا که آهن همه چیز را برده و له می کند . و همانند آهنی که بی پروا له می کند و همه اینان را می شکند . ۴۱ و علت اینکه قدمگاه را قسمتی از آهن و قسمت دیگر از فخار دیدی به این خاطر است که مملکت تقسیم شده است و در آن قدرتی همانند قدرت آهن خواهد بود زیرا که شما آهن را با فخار گلی مخلوط شده دیدی . ۴۲ و انگشتان قدمین را بعضی از آهن و قسمتی دیگر از فخار دیدی پس قسمتی از مملکت قوی و قسمتی دیگر ضعیف خواهد بود . ۴۳ و علت اینکه دیدی که آهن با فخار گل قاطی بوده چونکه آنها در نسل همدیگر مختلط ولی باهمدیگر قابل التیام نیستند همانطوری که آهن قابل اختلاط با فخار نیست . ۴۴ در ایام این حاکمان خداوند آسمان ها مملکتی را بر پا می دارد که تا ابد منقرض نخواهد شد و ملک آن برای ملتی دیگر گذاشته نمی شود و همه این ممالک را له و زیر پا می گزارد و خود تا ابد پا بر جا می ماند . ۴۵ چون که دیدی سنگی را کند و آن هم نه با دست های خود آنگاه آهن و نحاس و فخار و نقره و طلا را زیر پا گذاشت . خداوند عظیم به ملک نشان داد که بعد از این چه اتفاقی می افتد . خواب حق و تعبیر آن یقین است (۱) .

و مملکت چهارم که در متن خواب سابق بود همان مملکت آهنی این خواب می باشد و مملکتی که جای آنرا می گیرد نیز مملکت اهل حق و یا دولت عدل الهی که بر همه کائنات سیطره می یابد : (و اما سنگی که مجسمه را زد و کوه بزرگی شد و همه زمین را فرا گرفت) . و از اینجا واضح شد که تفسیر خواب وارده در سفر دانیال مقصود از دولت آهنی همان کشور روم است امری باطل بوده چونکه مملکت خداوند بعد از دولت روم بر پا نشده و ظلم تا به امروز مردم را فرا گرفته است .

و در خواب یوحنا : (۱۲ ده شاخی را که دیدم دلالت بر ده حاکمی که در نهایت حکومتی را صاحب نمی شوند ولیکن آنها حکومت خود را همانند سلاطین یک ساعته همرا و حوش به دست می گیرند . ۱۳ اینان دارای رای واحدی هستند و به وحش قدرت و سلطان خود را می بخشند . ۱۴ اینان با گوسفند نر خواهند جنگید و گوسفند نر آنها را شکست خواهد داد زیرا که او رب الارباب و پادشاه پادشاهان است و کسانی که همراه او هستند دعوت شده و منتخب و مؤمن هستند) (۲) .

۱- دانیال: ۲.

۲- رؤیا: ۱۷.

و همین طور : (۷ خوشحال شویم و هلهله بپا کنیم و مجد را به او بدهیم ! زیرا که عروسی گوسفند نر فرا رسیده و خانمش خود را مهیا کرده . ۸ و لازمه که لباسی پاک و زیبا بپوشد زیرا که محفل از اهل حق پر است . ۹ و به من گفت : بنویس : خوش به حال کسانی که برای شام عروسی گوسفند نر دعوت شدند ۱۱ سپس آسمان را باز دیدم و در حالی که اسبی سفید و سوار آن با نام صادق امین خوانده می شود و با عدل حکومت کرده و می جنگد)^(۱) . حال پس ابن انسان و یا مسیح منتظر و یا گوسفند با حاکمان زمین خواهد جنگید و پیروز خواهد شد .

و آنچه که بر مملکت چهارم دلالت می کند (مملکت آهنی یا پلید مخرب) همان چیزی است که در خواب یوحنا لاهوتی آمده است (۱ سپس بعد از این ملک دیگری را دیدم که از آسمان فرود آمده و سلطنتی عظیم داشت . و زمین از کمالاتش نورانی شد . ۲ و با شدت و صدایی رسا داد زد و گفت سقوط کرد ! بابل عظیم سقوط کرد ! و مسکنی برای شیاطین شد و برای هر روح نجسی محل آسایش گشت و برای هر پرنده نجسی و مکروهی محل آمان شد)^(۲) .

و همانطور که سید احمد حسن فرمودند پرنده نجس همان هواپیما های آمریکا است^(۳) و : (بابل اشاره به عراق دارد ، زیرا که در آن زمان بابل پایتخت عراق بود . پس همه جنگ ها و فتنه ها بر عراق و زمین عراق انجام می گیرد . و خراب شدن بغداد در پرچم هایی که از دول جهان و فتنه هایی که به سوی آن آمده یاد کردند .

امام صادق علیه السلام در مورد بغداد فرمودند : (لعنت خدا و غضب ایشان آنرا خراب می کند و اهلش آنرا ترک می کنند و وای بر کسانی که در آن هستند از پرچم های زرد و پرچم های مغرب و هر که از جزیره وارد آن شود و پرچم هایی که از دور و نزدیک به سوی آن بیایند . به خدا قسم که انواع عذاب از آنچه بر سایر امم متمرّد از اول تا آخر دهر آمده بر آنها خواهد گذشت و گرفتار عذابی خواهند شد که هیچ چشمی ندیده و گوش شنیده و طوفان شمشیر بر اهل آن نازل خواهد شد پس وای بر کسی که در آن مسکنی را اتخاذ نمود چونکه مقیم در آن بخاطر نادانی بوده و کسی که از آن برود در رحمت خدا است به خدا قسم از اهل آن خواهند ماند تا اینکه بگویند : که آن همان دنیا است و خانه ها و قصر هایش همان بهشت

۱- رؤیا: ۱۹.

۲- رؤیا یوحنا اللاهوتی: ۱۸.

۳- انظر رسالة الهداية: ص ۱۶.

است و دختران آن همان حور عین هستند و جوانانش همان جوانان هستند و گمان کنند که خداوند هیچ رزقی برای بندگان قسمت نکند مگر اینکه در آن باشد و در آن افترا و دروغ بستن به خدا و رسولش ﷺ و حکم بغیر کتاب خدا و شهادت های زور و خوردن خمر و شراب و میل به فساد و خوردن مال ربا و ریختن خون ها ظاهر گردد اتفاقاتی که در هیچ جای دنیا غیر از آن نیفتاده باشد سپس خداوند به واسطه همان فتنه ها و پرچم ها آنرا خراب خواهد کرد تا آنجایی که اگر عابری از آنجا عبور کند بگوید که زمانی در اینجا زوراء بود (۱) کلام سید احمد حسن تمام شد (۲).

و در بعضی از روایات اسلامی تعبیر (دجال) در مورد آمریکا وارد شده و در حدیثی ورود دجال از جهت کوه معروف سنام در بصره به عراق را توصیف کرده ، رسول خدا ﷺ فرمودند : (اولین جایی که دجال وارد می شود سنام است کوهی مشرف بر بصره و جایی که دجال ابتدا از آن وارد می شود) (۳).

و آنچه معروف است آمریکا از کویت و از جهت کوه مذکور و هم مرز کویت وارد عراق شد . و متنی از حضرت عیسی در مورد علاماتی که قبل ظهور منقذ اتفاق می افتد صحبت نموده است : (۳) ایشان بر کوه زیتون نشسته و شاگردانش به صورت انفرادی به سوی او رفته و می پرسند که به ما بگو این اتفاق چه زمانی می افتد ؟ و علامات آمدن شما و انتهای زمانه چه موقع است ؟ ۴ پس یسوع جواب داده و به آنها گفت : برحظر باشید که کسی شما را گمراه نکند ۵ چونکه به اسم من افراد زیادی خواهند آمد و خواهند گفت که ما مسیح هستیم و افراد زیادی را گمراه خواهند کرد ۶ آنگاه در مورد جنگ و اخبار جنگ خواهید شنید فقط نگاه کنید و نهراسید زیرا که لازم است همه این وقایع اتفاق بیفتد ولی این نهایت امر نیست . ۷ زیرا که مملکتی بر مملکت دیگر و امتی بر امت دیگر حمله خواهد کرد و گرسنگی و امراض و بلاء و در بعضی اماکن زلازل اتفاق خواهد افتاد . ۸ با این وجود این تنها ابتدای مشکلات خواهد بود . ۹ آن هنگام شما را در تنگنا قرار داده و شما را می کشند و به خاطر اسم من با همه امت ها دشمن خواهید شد . ۱۰ در آن هنگام عده زیادی تلف شده و بعضی ها در برابر بعضی دیگر تسلیم خواهند شد و با هم دیگر دشمنی خواهند کرد .

۱- بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴ .

۲- رسالة الهدایة: ص ۱۸ .

۳- الفتن - ابن حماد: ص ۱۵۰ ، معجم أحادیث الإمام المهدي: ج ۲ ص ۶۳ .

۱۱ و پیامبران دروغگین زیادی خواهند آمد و افراد زیادی را گمراه خواهند کرد . ۱۲ و به خاطر کناهان زیاد عهد و وفا کم می شود . ۱۳ ولی کسی که تا پایان صبر کند مخلص خواهد بود . ۱۴ آمدن و مخفی شدن دوباره پادشاهان برای شهادت امت ها در همه گیتی اتفاق می افتد سپس پایان کار حاصل می شود پس هر گاه پلید مخرب که دانیال پیامبر در مورد آن صحبت کرده را در سرزمین مقدس دیدید آنگاه خواننده موضوع را دریابد ۱۶ در آن هنگام کسانی که بر دین یهود هستند به کوه ها فرار می کنند ۱۷ و کسی که بر بالای بام است پایین نیامده تا اینکه چیزی از خانه اش برده نشود ۱۸ و هر کس که بر زمین است پشت سر خود نگاه نخواهد کرد تا اینکه لباس هایش برده نشود . ۱۹ در آن روز ها وای بر حامله ها و شیرده ها ! ۲۰ پس نماز بخوانید تا اینکه فرار شما در زمستان و یا روز شنبه نباشد ۲۱ زیرا در آن هنگام شدت عظیمی خواهد بود که از ابتدای خلقت و تا الان و تا بعد مثل آن نخواهد آمد . ۲۲ و اگر آن روز ها کوتاه نشود جسدی باقی نمی ماند . ولی به خاطر افراد برگزیده آن ایام کوتاه خواهد شد ۲۳ در آن هنگام اگر کسی به شما بگوید : که مسیح اینجا ! و یا آنجاست او را باور نکنید . ۲۴ زیرا که مسیحیان دروغگو و پیامبران دروغگو خواهند آمد و آیات عظیم و عجایی را نشان خواهند داد و اگر بتوانند حتی از برگزیدگان نیز گمراه می کنند . ۲۵ این من هستم که پیشاپیش این اخبار را به شما دادم . ۲۶ و اگر به شما بگویند : که ما از او نشانی داریم پس خروج نکنید . و یا اینکه او در اتاق خواب است باور نکنید . ۲۷ زیرا آمدن ابن انسان همانند برق که از مشرق خروج کرده و در مغرب ظهور می کند خواهد بود . ۲۸ زیرا که هر جا لاشه ای باشد در آنجا لاشه خور ها تجمع می کنند . ۲۹ و برای زمان تنگنای آن روز ها و خورشید تاریک شده و ماه نور نمی دهد و ستارگان از آسمان سقوط می کنند و قدرت های آسمانی ضعیف می شود . ۳۰ در آن هنگام علامت ابن انسان در آسمان پدیدار می شود . و در آن هنگام همه قبایل زمین نوحه می کنند و متوجه می شوند که ابن انسان بر روی ابر ها با قدرت و مجد زیاد در حال آمدن است . ۳۱ پس ملائکه ای را با صدای بوق عظیم می فرستد و برگزیدگان ایشان را از چهار تند باد جمع می کنند از دورترین جای آسمان های تا دورترین آنها . ۳۲ پس امثال را از درخت انجیل یاد بگیری که چه زمانی شاخه آن تنومند شده و برگ هایش را بیرون زده خواهید دانست که تابستان نزدیک است . ۳۳ شما نیز همین طور خواهید بود هر گاه همه این اتفاقات را دیده اید بدانید که آن نزدیک و کنار در شماست . ۳۴ و حقیقت را به شما بگویم : که این نسل تمام نمی شود تا اینکه همه این اتفاقات به وقوع پیوندد . ۳۵ زمین و آسمان ها متلاشی می شود ولی این صحبت من

متلاشی نخواهد شد . ۳۶ و اما از آن روزها و ساعت کسی خبر ندارد و حتی ملائکه آسمان ها خبر دار نبوده و تنها پدرم از آن خبر دارد . ۳۷ و همان طور که روزها بر نوح سپری شد آمدن ابن انسان همانطور خواهد بود . ۳۸ زیرا آنها همانطور که در روزهای قبل از طوفان غذا می خورند و می آشامند و عروسی می کنند و عروس می دهند تا آن روزی که در آن نوح وارد سفینه شد ۳۹ متوجه نشده اند تا اینکه طوفان آمده و همه را برد آمدن ابن انسان نیز همانطور خواهد بود ۴۰ در آن هنگام دو نفر در زمینه خواهند بود اولی را قبول می کنند و دیگری را ترک خواهند کرد . ۴۱ دو نفر بر اسیاب کار می کنند یکی را قبول و دیگری را ترک می کنند . ۴۲ پس بیداری بکشید زیرا که شما نمی دانید پدر چه ساعتی می آید . ۴۳ و این را بدانید که صاحب خانه اگر بداند که چه زمانی دزد می آید حتماً بیدار خواهد ماند زیرا که او دوست ندارد اموالش به غارت بروند . ۴۴ و به همین خاطر شما آماده بمانید زیرا که در ساعتی فکر آنرا نمی کنید ابن انسان می آید . ۴۵ پس این بنده حکیم و امین کیست که سرورش او را مسؤل بر خدمتگزاران خود انتخاب نموده تا اینکه غذا را به موقع به آنها برساند ؟ ۴۶ خوش به حال آن بنده که سرورش او را بدین شکل در حال عمل کردن یافت ! ۴۷ و حقیقت را به شما بگویم : که او را بر همه امور خود وکیل خواهد کرد . ۴۸ ولی اگر کمترین اهمالی در قلب این بنده یافت شود : سرورم آمدنش را به تأخیر خواهد انداخت . ۴۹ پس دوستانش شروع به آزار و اذیت بندگان نموده و همراه مستان به عیش و نوش خواهند پرداخت . ۵۰ سرور آن بنده در روزی که انتظار آنرا نداشته و در ساعتی که آنرا نداند خواهد آمد ۵۱ پس او را از بین خواهد برد و قسمتش را همراه منافقین خواهد گذاشت و در آنجاست که گریه و مالیدن دندان ها شروع می شود (۱).

و در قول ایشان : (این بنده حکیم و امین کیست که سرورش او را مسؤل خدمتگذاران خود انتخاب نموده تا اینکه غذا را به موقع به آنها برساند) اشاره ای واضح بر وجود فرستاده ای قبل از ظهور سرور یا سید یا امام مهدی علیه السلام دارد و کار این فرستاده گرفتن بیعت از متخبین و رساندن غذا و یا علم به آنهاست همانطور که متن نشان می دهد .

اما مکان ظهور این بنده امین و حکیم را حضرت عیسی علیه السلام در متنی دیگر بیان نمود و آن : (۲۷) زیرا که آمدن ابن انسان همانند برق از مشرق خروج کرده و در مغرب ظهور می کند (خواهد بود) (۲).

۱- متی: ۲۴، وانظر: مرقس: ۱۳.

۲- متی: ۱۴.

حضرت عیسیٰ علیه السلام به ظهور ابن انسان یا منقذ از مشرق یا از جهت مشرق اشاره می کند و نسبت به مکان حضرت عیسیٰ علیه السلام مشرق عراق است و برقی که از مشرق خروج کرده و در مغرب ظهور کرد حضرت ابراهیم علیه السلام است که از عراق خروج کرده و در سرزمین مقدس ظهور نمود ^(۱).

اما قول حضرت عیسیٰ علیه السلام: (۲۳) در آن هنگام اگر کسی به شما بگوید: که مسیح اینجا! و یا آنجاست او را باور نکنید). ظاهراً این قسمت با متن زیر از قول ایشان منطبق نمی شود: (۴۲) پس بیداری بکشید زیرا که شما نمی دانید پدر چه ساعتی می آید. ۴۳. و این را بدانید که صاحب خانه اگر بداند که چه زمانی دزد می آید حتماً بیدار خواهد ماند زیرا او دوست ندارد که اموالش به غارت بروند. ۴۴. و به همین خاطر شما آماده بمانید زیرا که در ساعتی فکر آنرا نمی کنید ابن انسان می آید. ۴۵. پس این بنده حکیم و امین کیست که سرورش او را مسؤل بر خدمتگزاران خود انتخاب نموده تا اینکه غذا را به موقع به آنها برساند؟ ۴۶. خوش به حال آن بنده که سرورش او را بدین شکل در حال عمل کردن یافت! ۴۷. و حقیقت را به شما بگویم: که او را بر همه اُمور خود وکیل خواهد کرد ^(۲).

صحبت ایشان که بی خوابی بکشید و در انتظار ابن انسان باشید در همین حین به آنها می گوید که اگر کسی که به شما بگوید (مسیح اینجا و یا آنجاست) را باور نکنید و این دو مقوله با هم متفق نیستند؟

واضح است که ایشان خواسته برای آنها بیان کند که کسی که منتظر آن هستند مسیح منتظر یا منقذ یا عیسی علیه السلام نیست و اینکه او شخص دیگری است و این چیزی است که با مقوله انتظار و بی خوابی متفق است و مراد از بی خوابی در اینجا بیدار بودن و توجه و بحث و عدم توقف در برابر آنچه که انسان به واسطه سوابق فکری خود تألیف کرده و شاید بطور کامل نادرست باشد ^(۳).

و در سابق از عیسی علیه السلام آمده که یوحنا معمدان را با نام ایلیاء نامیده است: (۱۱) یسوع در جواب به آنها گفت: (« در اوایل ایلیا خواهد آمد و همه چیز را به حالت اول بر می گرداند. ۱۲ ولی من به شما می گویم که: که ایلیاء خواهد آمد ولی او را نخواهند شناخت و در حالی که هر چه نیاز بود در مورد او اطلاع داشتند. و همین طور ابن انسان از دست آنها زجر و آزار

۱- نگاه کن به: کتاب وصی و رسول الإمام المهدي در توراة و إنجيل و قرآن: سید أحمد الحسن رحمته الله: ص ۳۱.

۲- متی: ۲۴.

۳- به کتاب شبیه عیسی از إصدارات أنصار إمام المهدي مگاه کن.

خواهد کشید . ۱۳ و در این هنگام شاگردان او فهمیدند که ایشان در مورد یوحنا معمدان صحبت نموده است (۱).

منظور از نامیدن یوحنا با اسم ایلیاء این که یوحنا شبیه ایلیاء است پس همانطور که ایلیا در آخر الزمان برای منقذ تمهید می کند یوحنا نیز برای عیسی علیه السلام تمهید می کند و در حقیقت روایات اسلامی زیادی با این منظور که اسم منقذ را عیسی نامیده و مراد از آن شبیه عیسی که به جای ایشان اعدام شده است :

در مستدرک حاکم و غیره این حدیث آمده که : (مهدی کسی جزء عیسی نیست) (۲) .
و امکان فهم این حدیث جزء در اینکه بگویم که مقصود از آوردن نام عیسی همان شبیه عیسی است و این اشاره ای واضح بر حقیقتی که در بحث قبل ذکر کردیم .

عجلونی در کشف الخفاء گفت : ملاقی در کتاب اربعین خود از انس با این لفظ روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند : (به امر فقط مشکلات و به دنیا فقط فرار و تجافی و به مردم بخل اضافه می شود و مهدی کسی جزء عیسی بن مریم نیست و ساعت فقط بر اشرار مردم برپا می شود و در لفظی دیگر از غیر او : به جای زمان سالی برای شما نخواهد آمد) (۳) .

از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام : (حکومت به زورا برگشته و امور به صورت شورای انجام می گیرد هر کس پیروز شود حکومت را بدست می گیرد و در آن هنگام سفیانی خروج کرده و به مدت ۹ ماه بر زمین مسلط شده و بدترین عذاب را به آنها خواهد چشاند ... تا اینکه فرمود سپس مهدی هادی مهتدی که پرچم را از دست عیسی ابن مریم می گیرد خروج خواهد کرد) (۴) .

حضرت علی علیه السلام در کتاب الزام ناصب فرمودند : (بعد از این مهدی از دنیا رفته و عیسی ابن مریم ایشان را در مدینه نزدیک قبر پدر بزرگش رسول خدا دفن خواهد کرد ملک روح ایشان را از حرمین می گیرد و همین طور عیسی و ابو محمد خضر و همه یاران مهدی و وزیران ایشان می میرند و دنیا همانطور که جهل و گمراهی آن را گرفته بود می ماند و مردم به

۱- متی: ۱۷.

۲- مستدرک الحاکم: ج ۴ ص ۴۴۰ نقل از: معجم أحادیث الإمام المهدي علیه السلام - الشيخ علي الكوراني العاملي: ج ۱ ص ۵۶۳، و ابن ماجه همین طور آنرا خارج نمود.

۳- کشف الخفاء - العجلونی: ج ۲ ص ۱۲۲ - ۱۲۳.

۴- الملاحم والفتن - ابن طاووس: ص ۲۶۶.

سوی کفر بر می گردند و در آن هنگام خداوند شروع به تخریب شهرها و کشورها می کند (۱)

عیسی ابن مریم که در این روایت ذکر شده وصی امام مهدی محمد بن حسن علیه السلام که مسؤلیت غسل و دفن ایشان را بر عهده می گیرد .

از ابی هریره گفت : شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند : (خداوند عیسی ابن مریم را با حکم عدل و امامی عادل فرود خواهد آورد صلیب را شکسته و خوک را می کشد و بیت المال را برقرار می کند و مال آنقدر زیاد می شود تا اینکه کسی را پیدا نمی کند از آن استفاده نماید و روح معنوی را در حج و عمره تسکین دهد یا اینکه همه را با دین آشنا می سازد) (۲) .
و شیخ نعمانی در کتاب غیبت روایت نموده و گفتند :

أحمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی به ما خبر داد که أحمد بن محمد دیوری با ما صحبت کرد و گفت : علی بن حسن کوفی از عمیره بنت اوس گفت : پدر بزرگم حصین بن عبد الرحمن با من صحبت کرد از پدرش از جدش عمرو بن سعد از امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام روزی به حذیفه بن الیمان گفت : (ای حذیفه در مورد چیزی که مردم توان درک آن را ندارند صحبت مکن چونکه طغیان کرده و کفر می کنند تحمل بعضی از علم بسیار سخت و طاقت فرسا است که اگر کوه ها آنها را حمل کنند از حمل آن خسته خواهند شد و علم ما اهل بیت انکار و باطل خواهد شد و راویان آن کشته خواهند شد و به کسی که آن را تلاوت کند با تهمت ولد زنا توهین خواهد شد و آن به خاطر حسد به فضل خداوند بر عترت وصی وصی پیامبر صلی الله علیه و آله است . ای ابن یمان پیامبر آب دهن خود را در دهن من انداخته و دست خود را بر سینه ام گذاشه و فرمودند : خداوندا به خلیفه و وصی من و قاضی دین من و انجام دهنده وعده و امانت من و ولی من و ناصر من بر دشمن من و دشمنت و فرج بخش سختی ها از صورت من عطا فرما هر آنچه که از علم به آدم بخشیدی و حلم و بردباری که به نوح رسانیدی و عترت پاک و خوش سیرتی که به ابراهیم بخشیدی و صبر که در هنگام بلاء به ایوب بخشیدی و آنچه را از منزلت با همانندان به داود بخشیدی و فهمی که سلیمان بخشیدی خداوندا از علی چیزی از دنیا را مخفی مگذار تا اینکه آنها بصورت سفره غذای کوچک میان دستانش قرار ده خداوندا تحمل موسی را به او داده و در نسل ایشان شبیه عیسی را قرار بده) (۳)

۱- إلیام الناصب فی إثبات الحجة الغائب - الشیخ علی الیزدی الحائری: ج ۲ ص ۱۲۸ .

۲- جامع البیان - ابن جریر الطبری: ج ۳ ص ۳۹۶ .

۳- کتاب الغیبة - محمد بن ابراهیم النعمانی: ص ۱۴۴ - ۱۴۵ .

و برحسب این روایت شبیه عیسی در نسل علی علیه السلام است .

از ابی سعید خرسانی گفت : به ابی عبدالله علیه السلام گفتم : به خاطر چه چیزی با نام قائم نامگذاری شد ؟ فرمود : (زیرا که ایشان بعد از اینکه می میرد قیام خواهد کرد ، او با امر عظیم و با امر خداوند سبحان قیام می کند) .

و از ابی بصیر گفت شنیده ام که ابا جعفر علیه السلام می فرمایند : (همانند امر ما در کتاب خدا مثل صاحب الاغ است خداوند او را به مدت ۱۰۰ سال از دنیا برد سپس ایشان را مبعوث نمود) .

از مؤذن مسجد احمر گفت از ابا عبدالله پرسیدم که آیا در کتاب خدا مثالی برای قائم علیه السلام وجود دارد ؟ فرمودند : (بله آیه صاحب الاغ که خداوند ۱۰۰ سال او را از دنیا برده و سپس او را مبعوث نمود) .

و این روایات که شیخ طوسی آنرا در غیبت خود نقل کرده ^(۱) ، دلالت بر این دارد که قائم بعد از این که می میرد قیام خواهد کرد و یا همانطور که در روایت شیخ نعمانی آمده خداوند او را مبعوث می کند :

از ابی جعفر علیه السلام در مورد اینکه اگر او صاحب امر باشد سؤال شده و فرمودند : (... نه به خدا قسم که من صاحب شما نیستم و نه به مردی از ما با انگشت و یا با ابرو اشاره نمی شود مگر اینکه بصورت مقتول مرده و یا اینکه با زور اجلس برسد گفتم : علت مرگ با زور چیست ؟ فرمودند : بصورت ناراحت بر رختخواب خویش می میرد تا اینکه خداوند شخصی را بفرستد که کسی از ولادتش اطلاع ندارد . گفتم : شخصی که از ولادتش اطلاع ندارند کیست ؟ فرمودند : نگاه کن که چه کسی مردم از به دنیا آمدن و یا نیامدنش اطلاع ندارند ، او همان صاحب شماست) ^(۲) .

چون قائم آل محمد علیه السلام خود اعدام شده است از جواب امام احمد حسن علیه السلام بر سؤال حول آیه کریمه زیر استفاده کنید ^(۳) :

(وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا) (و گفته ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش

۱- الغیبة للطوسی: ص ۴۲۲- ۴۲۳ .

۲- الغیبة للنعمانی: ص ۱۷۲ .

۳- المتشابهات: ج ۴ ص ۱۴۴ وما بعدها .

نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند قطعا در مورد آن دچار شك شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقینا او را نکشتند.^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس مخصوص پروردگار عالمیان و صلوات خدا بر محمد و آل محمد ائمه و مهدیین

در شبی که عیسی علیه السلام به بالا عروج نمود با حواریون خود قرار گذاشت ، آنگاه جز یهوذا که جای عیسی علیه السلام را به علماء یهود نشان داد همه نزد ایشان حاضر شده و یهوذا پیش مرجع بزرگ یهود رفته و در مورد تسلیم عیسی علیه السلام با او معامله کرد .

و بعد از نصف شب هنگامی که حواریون به خواب رفتند عیسی علیه السلام بیدار باقی ماند و خداوند او را به بالا برد و به جای ایشان (شبیه او) که اعدام و کشته شد) را پایین آورد و به عنوان سپر و فدایی ایشان بود و این شبیه (که از اوصیاء آل محمد علیه السلام) است اعدام و کشته شد و عذاب را به خاطر قضیه امام مهدی علیه السلام تحمل نمود .

و در روایت تفسیر علی بن ابراهیم از ابی جعفر علیه السلام فرمود (عیسی علیه السلام در شبی که خداوند ایشان را به بالا برده با یاران خود که دوازده نفر بودند قرار گذاشته پس شبانگاه جمع شده اند ، آنها را وارد خانه ای نموده سپس از پرتو که در گوشه خانه است بر آنها بیرون آمد و در حالی که سر خود را که از آب خیس بود تکان می داد و فرمود ساعتی دیگر خداوند مرا بالا برده و از یهود مطهر می کند پس کدام یک از شما حاضر است که شبیه من بر او واقع شده تا اعدام و کشته شود و با من در یک مقام باشد جوانی از آنها گفت ای روح الله من حاضرم فرمود پس شما همان هستی ... سپس علیه السلام فرمودند در همان شب یهود دنبال عیسی علیه السلام آمدند ... و جوانی را که شیخ عیسی بر او نهاده شده را بردند و اعدام و کشته شد)^(۲)

امام باقر علیه السلام می فرمایند : (دوازده نفر جمع شده اند) ، در حالی که از حواریون یازده نفر آمده و یهوذا نیامده بود و برای تحویل دادن عیسی علیه السلام نزد علمای یهود رفت و این از اخبار متواتری است که قابل انکار نیست پس نفر دوازدهم از آسمان نازل شده و او همان وصی از آل محمد علیه السلام است ؛ همانی که بعد از اینکه بصورت شبیه عیسی علیه السلام آمد اعدام و کشته شد و آخرین کلماتی که این وصی هنگام اعدام شدن می گفت : (ایلیا ، ایلیا چرا مرا پایین

۱ - نساء : ۱۵۸ .

۲ - قصص النبیا جزائری : ص ۴۷۳ .

آوردی) و در انجیل متی (یسوع با صدای بلندی فریاد زد ایلی ایلی چرا مرا پایین آوردی یا ای خدای من ، خدایا چرا مرا تنها گذاشته ای . پس عده ای از قوم که آنجا ایستاده بودند پس از اینکه شنیده اند ، گفتند : او دارد ایلیاء را ندا می دهد ... و اما بقیه گفتند بگذارید ببینیم آیا ایلیا برای نجات او می آید . آنگاه یسوع دوباره با صدایی بلند داد زده و وحش را تسلیم نمود . در حالی که حجاب هیکل از بالا به پایین به دو نصف شد و در زمین زلزله آمده و سنگ ها متلاشی شد...^(۱))

در حقیقت ترجمه کلماتی را که گفت به این صورت است (ای علی ای علی مرا برای چه چیزی پایین آورده ای) ، و نصارا آنرا به این صورت ترجمه می کنند (خدایا ، خدایا چرا مرا تنها گذاشته ای) همانطور که از متن انجیل برای شما واضح گردید .

و پایین آوردن یا رها کردن از آسمان به زمین ؛ نزدیک به تنها گذاشتن است . که این وصی به خاطر نادانی و نزول و یا به عنوان اعتراضی بر امر خداوند سبحان و تعالی این کلمات را نگفته است ، بلکه سؤالی است که جوابی درون آن است ، که برای توجیه مردم آنرا بیان نمود : و ان اینکه علت نزول و اعدام و کشته شدن مرا بفهمید و بدانید تا اینکه دوباره در امتحان شکست نخورید در صورتی که همان سوال را تکرار کنم وقتی که رومیان (یا قومی شبیه آنها) سرزمین ها را اشغال کنند و علماء یهود (یا علمائ شبیه آنها در این زمان) با آنها سازش کنند ، پس سنت خدا تکرار شده و من در آن سرزمین خواهم بود عبرت بگیرید و اگر دوباره آمده ام مرایاری و در اعدام و کشتن من مشارکت نکنید .

در جواب سؤال ، این موضوع را خواسته بود (که برای هر عاقل پاک فطرت واضح است) : اعدام شدم و اهانت های علمائ یهود را تحمل نموده ، انهم به خاطر قیامت صغری ، قیامت امام مهدی علیه السلام و دولت حق و عدل الهی در این سرزمین کشته شده ام . و هنگامی که علمائ یهود و حکام روم از این وصی پرسیده اند که : آیا شما پادشاه یهود هستی ؟ در جواب اعلام می کرد تو گفتمی ، و یا گفت آنها می گویند و یا این شما هستید که اینگونه می گویند و بله را نمی گفت این جواب برای کسانی که از حقیقت بی اطلاع اند جوابی عجیب است ولی در حال حاضر جواب آن آشکار شد . هیچگاه بله نگفت زیرا که او پادشاه یهود نبوده و عیسی علیه السلام که به بالا عروج نموده پادشاه آنها بود ، و او همان شبیه یی است که به جای عیسی برای اعدام و کشته شدن پایین آمده است متن جواب ایشان بعد از دستگیری در انجیل آمده که آنرا مرور می کنیم :

(رئیس کاهنان اینگونه از او پرسید که شما را به خداوند همیشه زنده قسم می دهم آیا شما حضرت مسیح هستی ؟ یسوع به او گفت که تو می گویی ...)^(۱) (... یسوع مقابل والی واستاندار ایستاد پس والی از او پرسید شما پادشاه یهود هستی ؟ انگاه یسوع به او گفت : تو می گویی ...)^(۲) . (... بیلاطس از او پرسید شما پادشاه یهود هستی ؟ پس جواب داد و گفت تو می گویی ...)^(۳) ، (... مردم همه به او گفتند که تو مسیح هستی ؟ پس به آنها گفت که شما می گوید که من خود ایشان هستم ...)^(۴) ، (... ۳۳ سپس بیلاطس همین طور وارد قصر حکومت شد و یسوع را صدا زد و به او گفت تو پادشاه یهود هستی ؟ ۳۴ یسوع در جوابش گفت آیا شما خودت ذاتاً این طور می گویی یا اینکه کسانی دیگر در مورد من به تو گفتند . ۳۵ بیلاطس در جوابش گفت من که یهودی هستم . امت شما و علمای کاهن تو را تحویل من دادند . چه کاری را انجام داده ای ؟ ۳۶ یسوع جواب داد که مملکت من از این عالم نیست . اگر مملکت من در این عالم بود آنگاه خادمان من جهاد می کرده اند تا اینکه من در اختیار یهود قرار نگیرم . ولی در حال حاضر مملکت من مال این زمان نیست . ۳۷ بیلاطس به او گفت پس در حال حاضر تو پادشاه هستی . در جواب یسوع گفت تو می گویی که من پادشاه هستم . من برای این دنیا و به این عالم آمده ام که برای حق شهادت دهم ...)^(۵) .

و در این متن وصی نشان داد که او از اهل آن زمان نیست بلکه برای اجرای مسولیتی پایین آمده و آن فدایی عیسی علیه السلام است به همین خاطر که می بینی این وصی می گوید : (مملکت من از این عالم نیست) ، (ولی در حال حاضر مملکت من مال این عالم نیست) ، (و به این خاطر من به این عالم آمده ام که برای حق شهادت بدهم)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله : (عیسی فرزند مریم علیها السلام هنگام انفجار صبح در پوشش مهرودین و آن دو لباس زرد رنگی از زعفران بوده نزول می کند دارای جسمی سفید رنگ و موی سر خرمایی و در میان موی سر او فاصله است ، انگار که از موهای سرش روغن می چکد در دست ایشان سر نیزه ای است صلیب را شکسته و خوک را می کشد و دجال را به هلاکت رسانده و اموال قائم را باز پس می گیرد و اهل کهف پشت سرایشان به راه می افتند و او وزیر راست برای قائم و حجاب و نایب ایشان است ، آنگاه با کرامتی از حجت بن الحسن علیه السلام

۱ - انجیل متی : اصحاح ۲۶ .

۲ - انجیل متی : اصحاح ۲۷ .

۳ - انجیل مرقس : اصحاح ۱۵ .

۴ - انجیل لوقا : اصحاح ۲۲ .

۵ - انجیل یوحنا : اصحاح ۱۸ .

امنیت را در مشرق و مغرب گسترش می دهد) غایة المرام السید هاشم البحرانی ج ۷ ص ۹۲ . از امیر مؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (مکز حکومت به زوراء (بغداد) برمی گردد و امور از طریق شوراء انجام می گیرد هرکسی که بر کاری غلبه کند آنرا انجام می دهد پس خروج سفیانی در این هنگام است که نه ماه بر زمین مسلط می شود و به بدترین شکل آنها را شکنجه می دهد آنگاه وای بر مصر و وای بر زوراء و وای بر کوفه و وای بر واسط انگار به واسط نگاه می کنم در حالی که خبرنگاری که دارای خبر باشد وجود ندارد و در آن هنگام خروج سفیانی و کمبودی غذا و قحط زدگی مردم و کمبودی باران که هیچ زمینی نمی روید و هیچ آسمانی نمی بارد ، سپس مهدی هادی مهدی آن کسی که پرچم را از دست عیسی بن مریم می گیرد خارج می شود ...)^(۱)

و احادیث زیادی دال بر اینکه عیسی علیه السلام اعدام و کشته نشده است وجود دارد بلکه کسی که اعدام و کشته شد شبیه عیسی علیه السلام است .

از ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: (عیسی ابن مریم علیه السلام با لباس پشمین از نخ تابیده و دوخت مریم علیه السلام به بالا عروج نمود و پس از اینکه به آسمان رسید ندا داده شد که ای عیسی ابن مریم زینت دنیا را از خود دور کن)^(۲)

و از امام رضا علیه السلام فرمود (مردم در امر هیچ یک از پیامبران و حجت های خدا دچار شبهه نشده مگر در امر عیسی بن مریم علیه السلام ، زیرا که او به صورت زنده از زمین به بالا رفته و در میان آسمان و زمین قبض روح شده سپس به آسمان عروج نموده و روحش به او برگردانده شد و آن قول عز و جل : (اِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ وَرَأُفِعْكَ إِلَيْنَا)^(۳) (خداوند به عیسی فرمودند ای عیسی من روح را قبضه نموده و تو را پیش خود می برم)^(۴)

از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند (عیسی علیه السلام نمرده است و قبل از قیامت به سوی شما بر خواهد گشت) قصص الانبیاء .

پس توجه کن که : - عیسی علیه السلام پیامبر و فرستاده ای که از خداوند سبحان و تعالی است و درخواست نمود که از اعدام و عذاب و کشته شدنش صرف نظر گردد ، و خداوند سبحان و تعالی دعای پیامبر و فرستاده اش را بدون اجابت نمی گذارد ، خداوند دعای ایشان را

۱ - الملاحم و الفتن - سید بن طاووس الحسنی : ص ۱۳۴ .

۲ - قصص الانبیاء نعمة الله جزایری .

۳ - آل عمران: ۵۵ .

۴ - قصص الانبیاء و عیون الاخبار .

استجابت نموده ، و وصی که به جای او اعدام و کشته شد را نازل نمودند ، و در انجیل دعا های متعددی آمده که عیسی علیه السلام عدم اعدام و کشته شدن را خواسته است .
و آن اینکه : (... سپس کمی به جلو رفته و با صورت به پایین فرود آمده و در حال نماز خواندن می گفتند ای پدر بزرگوار در صورت امکان مرا از نوشیدن این جام معاف نمائید...)^(۱)

(... سپس کمی به جلو رفته و به زمین فرود آمد و در حالی که نماز می خواند تا در صورت امکان از این امتحان معاف شده * و می گفت ای پدر ابو البشر همه چیز ها در استطاعت شماست پس مرا از این جام معاف کنید ...)^(۲)

... از آنها به اندازه پرتاب یک سنگ جدا شده و بر زانو های خود نشست و مشغول نماز شد * و در حالی که می گفت ای پدر من در صورت امکان مرا از این جام معاف نمائید ...)^(۳)
و این متن در تورات سفر اشعیا و در انجیل أعمال الرسل الإصحاح الثامن آمده : (... همانند شاة سیق برای سر بریدن ، و همانند گوسفند ساکتی در دست کسی که او را به این طرف و آن طرف کشیده و دهانش را باز نمی کند ...)

و در حالی که هیچ پیامبر و یا وصی به صورت ساکت به سوی بریده شدن سر خود نرفته بلکه همه پیامبران و اوصیاء و مرسلین صحبت نموده و در حالی که آنها ارسال شده که صحبت کنند و نکوهش کرده و مردم را موعظه و نصیحت کنند ، و علی الخصوص عیسی علیه السلام علماء و مردم را بسیار نکوهش نمود . و آنقدر آنها را نصیحت نموده پس بر او را صدق نمی کنند که ساکت به سوی اعدام برود .

بلکه کسی که ساکت به سوی بریده شدن سر خود پیش رفته همان وصی بود : (شبیه عیسی) و بدون اینکه صحبت کند و یا اینکه از خدا بخواهد که از عذاب و اعدام و کشته شدنش صرف نظر نمائید اعدام و کشته شد ، و بدون اینکه با مردم صحبت کند . بلکه هنگامی که اسرار داشته و با اسرار از او پرسیده اند که تو چه کسی هستی ، آیا شما مسیح هستی ، جواب آنها را نمی داد به جزء با یک کلمه ، شما می گوید .

و به این صورت راضی به امر خدا به سوی اعدام و عذاب و کشته شدن رفت ، جهت انجام ماموریتی که به خاطر آن پایین آمده تا به جای عیسی علیه السلام اعدام و کشته شود .

۱ - انجیل متی : الاصحاح ۲۶ .

۲ - انجیل مرقس : اصحاح ۱۴ .

۳ - انجیل لوقا : اصحاح ۲۲ .

و آنها به خاطر اینکه زمان آن نرسیده که فرستاده شود و مردم را ابلاغ و با آنها صحبت نمائید ، همانند شاه سیق به این صورت برای سر بردن رفتند ، همانند گوسفندی ساکت در دست کسی که او را به این سمت و آن سمت می کشد و دهان خود را باز نمی کرد .

از هر انسان مؤمنی خواهش دارم که استفاده نموده و معرفت حقیقت را از این قضیه بخواهد ، آنگاه این انسان به زمین فرود آمده ، و اعدام و کشته شده و در حالی که کسی که او را نمی شناخت ، درخواست نمی کرد که یاد شده و یا شناخته شود ، به صورت ساکت فرود آمده و ساکت اعدام شده و به صورت ساکت کشته شده ، و به صورت ساکت به سمت خدا بالا رفتند ، همین طور : - اگر خواسته اید حضور داشته باشید (جواب سید احمد حسن به پایان رسید .

و با کلماتی که اشاره می کند که منقذ احمد است کتاب را به پایان می برم :

أنا أثناسيوس می گوید : (لفظ بارقلیط اگر کمی نطق آن را تغیر دهیم بیرکلیت می شود و معنی آن حمد یا شکر است و آن نزدیک به لفظ أحمد است)^(۱) .

و صاحب (کتاب مقدس در زره بین) می گوید : (هنگام مراجعه من به یکی از انجیل های ذسکندنافیه متداول امروزی که در مدت زمان خیلی دور با لغت نروژی نشر شده یافتم که کلمه أحمد همچنان به شکل اخیر (amat) موجود بود و به صورت اخیر نوشته می شود

Amodt ، و این کلمه در خود اصحاب با لغت نروژی فوق الذکر موجود است^(۲) .

و علی الخصوص آنچه که در سفر زکریا وارد شده است :

(۷ ارباب لشکریان گفت همه امت ها را متزلزل می کنم . و مورد انتظار همه امت ها خواهد آمد و این بیت را پر از مجد می کنم)^(۳) .

دکتر عبد الأحد داود می گوید - و او قسیس مسیحی که در این اواخر مسلمان شد - با لغت عبری می گوید (فی یا فو حَمْدَه کُول هاجوییم) یا (و حمد او به سوی همه امت ها خواهد آمد)^(۴) .

و در اینجا منظور از حمد همان احمد است .

و حمد و سپاس مخصوص خداوند است

۱- تفسیر یوحنا الانبا اثناسیوس : ص ۱۱۹ نقلاً عن حجازي: المصدر نفسه ج ۲ ص ۲۷۲ .

۲- الكتاب المقدس تحت المجهر - عودة مهاوش: في هامش ص ۴۳ .

۳- زکریا: ۲ .

۴- محمد کما ورد في كتاب اليهود والنصارى - عبد الأحد داود: ص ۳۷ .

فهرست

٣ مهدي (ع) واهل سنت
٦ اسم ایشان همانند اسم من
١٠ روایات اهل سنت بر دو مهدي اشاره می کنند
١٤ امام مهدي محمد بن الحسن (ع)
٢٤ یمانئ (ع) در تورات وانجيل